

خبرنامه کمیته‌ها، سنگی برای ایجاد تشکل کارگری (منطقه تهران)

کارگران علیه سرمایه متشکل شویم!

هفته چهارم اردیبهشت ۱۳۸۷

شماره ۲



کمیته‌ی هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری
Coordinating Committee to
Form Workers Organization

در این شماره:

- ادامه اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه ص ۲
- تعویق دستمزد کارگران در «گروه صنعتی مرصاد» ص ۳
- تعویق حقوق و بیکاری در کارخانه «آوانگان» ص ۳
- مبارزات کارگران در «ایران ترمه» و «تهران پتو» ص ۳
- اخراج، مجازات مطالبه دستمزد ص ۴
- مرگ یک کارگر دیگر در حین کار برای سرمایه ص ۴
- اعتصاب معلمان اسپانیا علیه سطح پایین دستمزدها ص ۴
- اعتصاب وسیع رانندگان تاکسی در مصر ص ۵
- «قانون کار»، قانون سلاخی کارگران توسط سرمایه ص ۵
- کارخانه «کومه ایران»، ستمگری کارفرما و گرسنگی کارگران ص ۵
- کارگران کاشی رویال در نیمه راه پیروزی ص ۶
- تجمع اعتراض آمیز معلمان در مقابل سازمان آموزش و پرورش تهران ص ۶
- کارخانه شاهو سنج شکلات خواهد ساخت ص ۸
- معدنچیان سنگرود و ۱۷ ماه حقوق معوقه ص ۸
- اعتصاب عظیم کارگران نیشکر هفت تپه ص ۹
- ادامه مبارزات معلمان بازنشسته کرمانشاه ص ۹
- اعتراض کارگران کارخانه «پارس لامه» ص ۹
- اعتصاب کارگران معدن شیلی پایان یافت ص ۹
- گرامیداشت روز معلم در این بابویه ص ۱۰
- ذغال سنگ طیس و تعویق دستمزد کارگران ص ۱۰
- اعتصاب کارگران در کارخانه «کاشی رویال» ص ۱۰
- کارخانه نساجی کردستان تعطیل می شود ص ۱۱
- مبارزات کارگران در مصر و میدان داری اپوزیسیون های درونی سرمایه ص ۱۱
- اعتصاب رانندگان تاکسی در کرمانشاه ص ۱۱
- تظاهرات کارگران یخچال سازی خرم آباد ص ۱۲
- ۵ فعال کارگری نیشکر هفت تپه به دادگاه احضار شدند ص ۱۲
- ادامه مبارزات معدنچیان شیلی و تهدید جدی برای صاحبان سرمایه ص ۱۲
- گسترش اعتصاب در کارخانه های کفش وبتنام ص ۱۳
- تداوم و گسترش مبارزات کارگران پرستار در سوئد ص ۱۳
- پارس خودرو در اول ماه مه ص ۱۴
- چند خبر کوتاه از بیمارستان میلاد تهران ص ۱۴
- ادامه مبارزات کارگران لاستیک البرز ص ۱۴
- شکایت «سندیکای کارگران انقلابی» ترکیه ص ۱۵
- وضعیت کارگران در «نساجی درخشان یزد» ص ۱۵
- در شرکت ریسندگی خاور با کارگران چه می کنند؟ ص ۱۶
- تعویق ده ماهه دستمزدها در «فولاد گزین» یزد ص ۱۶
- کارخانه کرومیکال و تعویق ۴ ماهه دستمزدها ص ۱۶
- ۱۹۰ کارگر «صنایع اراک» در خطر اخراج ص ۱۶
- اخراج و عدم پرداخت مطالبات کارگران در گروه صنعتی ملی ص ۱۷
- روز اول ماه مه در مسکو ص ۱۷
- اول ماه مه در فیلیپین ص ۱۸
- نمایش اعتراضی بزرگ کارگران در لبنان در روز اول ماه مه ص ۱۸
- کارگران صربستان و تظاهرات اول ماه مه ص ۱۸
- تعویق مطالبات کارگران «پاریس» ص ۱۸
- مدال افتخار جدید برای جنبش اتحادیه ای!! ص ۱۸
- گزارش مختصری از شرکت پارس خودرو ص ۲۰

ادامه اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه

اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه وارد سومین روز خود شد. بیش از ۳۰۰۰ کارگر بخش های مختلف این شرکت از روز دوشنبه دست به اعتصاب زده اند و تمام قسمت های کار و تولید را به طور کامل متوقف کرده اند. کارگران از همان دقایق نخست شروع اعتصاب مطالبات خود را به شرح زیر اعلام کرده اند:

۱. دو ماه حقوق معوقه کارگران باید بی درنگ پرداخت گردد.
۲. بساط پرونده سازی علیه فعالین کارگری باید به طور کامل پرچیده شود.
۳. احضار فعالین کارگری به دادگاه باید متوقف گردد.
۴. یعقوب شفیعی مدیر عامل و کل اعضای هیئت مدیره شرکت باید از سمت خویش برکنار شوند.
۵. «زیبیداری» رئیس اداره حراست و سرکرده قوای سرکوب سرمایه علیه کارگران باید معزول گردد.

کارگران در حین اعتصاب مراتب خشم و نفرت عمیق خود را از نیروی سرکوب، دادگاه ها، کارفرمایان و در یک کلام کل صاحبان سرمایه و عوامل حراست از نظام سرمایه داری به نمایش نهاده اند. ۳۰۰۰ کارگر اعتصابی همه جا با صدای بلند فریاد زدند که به سرکوب، توطئه و جنایت علیه کارگران پایان دهید و به جای آن مطالبات توده های کارگر را پرداخت کنید. از لحظه شروع اعتصاب تا اکنون، نیروهای پلیس دولت سرمایه داری در سطحی بسیار وسیع صفوف کارگران اعتصابی و تظاهرات آن ها را در محاصره خود گرفته اند. این نیروها به شکل های مختلف برای پایان دادن به اعتصاب و درهم شکستن مبارزات کارگران تلاش می کنند.

شرکت نیشکر هفت تپه در طول ۲ سال اخیر یکی از پرخروش ترین کانون های اعتراض و عصیان کارگران ایران بوده است. اعتصابات و مبارزات کارگران شرکت همواره مورد حمایت وسیع کارگران دیگر به ویژه کارگران منطقه خوزستان قرار گرفته است. سازماندهی ۱۳ اعتصاب بزرگ در طول ۱۳ ماه

توسط کارگران که بعضاً با شرکت وسیع تمامی ۵۰۰۰ کارگر کارخانه همراه بوده نشانه سطح بالای آمادگی، عزم راسخ برای مبارزه با استثمار و مظلوم سرمایه و گواه بارز قدرت تدبیر و ابتکار برای پیشبرد این مبارزات است. در عین حال، روند پیکار کارگران نیشکر هفت تپه در طول این ۲ سال وجود یک حلقه سست و یک ضعف عمومی بسیار بارز و تعیین کننده کل جنبش کارگری ایران را نیز در برابر دیدگان همه فعالان واقعی و آگاه این جنبش بیش از پیش برجسته کرده است. در شرایطی که ۱۲۰۰ کارگر لاستیک البرز در تهران، ۳۰۰۰ کارگر تولید نیشکر در خوزستان، صدها کارگر کشتی ساز در بوشهر، هزاران کارگر معترض عاصی در قزوین، ده ها هزار کارگر معلم در همه مناطق ایران، هزاران کارگر راننده شرکت واحد، شمار کثیر توده های کارگر دیگر در حوزه ها و عرصه های مختلف کار در شهرهای دور و نزدیک، هر روز و هر هفته فریاد اعتراض و نارضائی و خشم خویش را بر صورت صاحبان سرمایه و دولت آن می کوبند، این جنبش همچنان پراکنده، درمانده و عاجز از هر نوع اعمال قدرت سرنوشت ساز علیه سرمایه داران و نظام سرمایه داری است.

ضعف مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه، لاستیک البرز، ایران صدرا، کارگران بجنورد، رانندگان شرکت واحد، کارگران قزوین، گیلان، کردستان، یزد و خوزستان و در یک کلام پاشنه آشیل اساسی جنبش کارگری ایران به طور واقعی فقدان یک سازمان سراسری ضد سرمایه داری با افق لغو کار مزدی است. مادام که این سازمان وجود ندارد جنبش کارگری نیز قادر بر غلبه بر این وضعیت نخواهد بود. با مبارزات پراکنده، با ایجاد دکان های چانه زنی سندیکالیستی و نوع این ها نمی توان در مقابل طبقه هار سرمایه دار و دولت آن موفقیت چندانی به دست آورد. رویکردهای رفرمیستی راست و چپ در تمامی طول این ۲ سال به شکل های مختلف تلاش کرده اند تا شاید سایه سیاه راه حل ها و نسخه پیچی های رفرمیستی خود را بر سر مبارزات

کارگران نیشکر سنگین کنند. عوامل این رویکردها در همین راستا دست به چاره پردازی هایی زده اند که جز پاشیدن خاک به چشم کارگران و هموارسازی راه شکست مبارزه طبقاتی آنان هیچ نتیجه دیگری به بار نیاورده و نمی تواند به بار آورد. ارجاع علت همه مشقت ها، تعویق دستمزدها و مصائب زندگی کارگران هفت تپه به واردات بی رویه شکر!! و سپس تبلیغ ضرورت حمایت طبقه کارگر از سرمایه داران کارخانه های «درحال ورشکستگی»!! و به طور مشخص همین واحد عظیم صنعتی از جمله این توهم بافی ها و چاره پردازی های تا مغز استخوان رفرمیستی و سرمایه پسند است. این نوع تحلیل ها و چاره جوئی ها نه تحلیل و راه چاره کارگران آگاه برای حل مشکلات طبقه خویش بلکه صرفاً راهکارها و سیاست پردازی های بخشی از بورژوازی هار ایران در مقابل بخش دیگر آن است. این که واردات شکر بی رویه است یا با رویه نه مسئله جنبش کارگری بلکه مسئله سرمایه داران و دولت سرمایه داری است. هیچ کارگر دارای حداقل آگاهی و شعور طبقاتی نیز راه تحقق مطالبات خود را را در حمایت از صنایع کوچک و صاحبان سرمایه های خرد جستجو نمی کند. ریشه گرسنگی ها، بی خانمانی ها، بیماری ها و بدبختی های کل طبقه کارگر ایران و از جمله کارگران نیشکر هفت تپه در موجودیت و استیلای نظام سراسر ستمگرانه سرمایه داری نهفته است. هر گام موفقیت این جنبش و هر میزان پیروزی مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه نیز در گرو مبارزه متحد و متشکل سراسری علیه سرمایه داری است. کارگر نیشکر هفت تپه در مطالبه حق سندیکا یا حتی توسل به سندیکا سازی نیز به طور قطع به هیچ چیز نخواهد رسید. وقت آن است که کارگران از درون همین مبارزات و اعتصابات بالفعل خویش سنگ بنای تشکل شورائی ضد سرمایه داری خود را مستقر سازند. از درون همین شورا برای تصرف کارخانه و برنامه ریزی کار و تولید توسط خود اقدام کنند. همزمان از همه کارگران خوزستان، همه کارگران ایران و کل طبقه کارگر جهانی بخواهند که به

سازمان سراسری ضد سرمایه‌داری با
افق لغو کار مزدی درهم آمیزند.

قدرت هر چه وسیع تر علیه
سرمایه‌داران و دستیابی به مطالبات
روز خویش را با تلاش برای ایجاد یک

حمایت از شورای آن‌ها برخیزند.
کارگران نیشکر هفت تپه با گزینش این
رویکرد می‌توانند تلاش برای اعمال

کارگران علیه سرمایه متشکل شویم!
کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری (منطقه تهران)
۸۷/۲/۱۸

تعویق دستمزد کارگران در « گروه صنعتی مرصاد»

دستمزدها و مطالبات سال پیش و امسال
کارگران را به ارقام سرمایه‌گذاری‌های
نوین خود اضافه کرده‌اند و ثانیاً ۳۵
کارگر را نیز بیکار ساخته‌اند. صاحبان
سرمایه در هر دو زمینه موفق بوده‌اند.
این کارگرانند که تاوان هر مقدار
موفقیت و سوداندوزی بیشتر
سرمایه‌داران را با گرسنگی‌ها،
محرومیت‌ها، حفارت‌ها و فلاکت‌های
مرگبار می‌پردازند. ۸۷/۲/۱۸

سه کارخانه هم اکنون دست به کار
تأسیس دو کارخانه دیگر و گسترش
دامنه سرمایه‌گذاری‌های گروه بزرگ
صنعتی تحت مالکیت خویش است.
کارفرما ضمن توسعه سرمایه‌گذاری
هایش تلاش کرده است تا از طریق به
کارگیری تکنولوژی مدرن تر نیاز خود
به نیروی کار را هم کمتر کند.
سرمایه‌داران مالک گروه صنعتی
مرصاد در راستای تحقق این اهداف اولاً

بیش از ۳۰۰ کارگر گروه صنعتی
مرصاد در منطقه « پاکدشت» هنوز
دستمزد ماه فروردین و مطالبات سال
گذشته خود را دریافت نکرده‌اند. این
کارگران در سه واحد مجزای متعلق به
این گروه صنعتی با نام‌های « پیشگام
خاور تهران»، « پایدار» و « حدید ساز
پیشرو» مورد استثمار قرار می‌گیرند و
در هر سه واحد به تولید کنتور گاز
اشتغال دارند. سرمایه‌دار صاحب این

تعویق حقوق و بیکاری در کارخانه « آوانگان»

کارفرما در طول این مدت هیچ
دستمزدی به کارگران پرداخت نکرده
است. ۷۰۰ کارگر بلا تکلیف « آوانگان»
با تجمع در مقابل درب ورودی کارخانه
و اعتراض علیه بیکارسازی‌ها
خواستار پرداخت بی‌درنگ دستمزد و
بازگشت مجدد خویش به کار شدند.
۸۷/۲/۱۸

تهران است. کارفرما به همین خاطر
۷۰۰ کارگر را در ورطه سرگردانی
محض کشانده است. این کارگران اینک
بیکارند زیرا کارگاه به طور کامل
تعطیل است. آنان در همان حال در
انتظار بازگشت به سر خویش هستند
زیرا محتوم بودن تعطیلی کارخانه و
خاتمه حتمی اشتغال آنان از سوی
صاحبان سرمایه تصریح نگردیده است.

۷۰۰ کارگر کارخانه « آوانگان» مدت
مدیدی است که در بلا تکلیفی کامل به
سر می‌برند. واحد صنعتی آوانگان
اراک که تا چندی پیش بزرگترین
کارخانه تولید دکل برق در خاورمیانه
بوده اینک در آستانه تعطیل کامل قرار
گرفته است. علت تعطیلی کارخانه طرح
جدید صاحبان سرمایه برای تشکیل یک
تراست عظیم تجارت آهن آلات در

مبارزات کارگران در « ایران ترمه» و « تهران پتو»

در تمامی این ۵ ماه هیچ دستمزدی
نگرفته‌اند و پرداخت عیدی و پاداش
سال قبل آنان نیز معوق مانده است.
۵۰۰ کارگر این واحدها به طور مکرر
علیه این وضعیت دست به اعتراض زده
و خواستار پرداخت هر چه سریع‌تر
مطالبات خویش شده‌اند. ۸۷/۲/۱۸

از ۵۰۰ میلیون تومان از بانک‌های
دولتی وام دریافت کرده‌اند تا از طریق
آن مطالبات کارگران را پرداخت کنند.
این که آنان این رقم کلان را در کجا و
کدام حوزه سودآورتر سرمایه‌گذاری
کرده‌اند مسئله‌ای مخفی است، اما آنچه
کاملاً عریان است این است که کارگران

کارگران « ایران ترمه» و « تهران
پتو» ۵ ماه تمام است که هیچ دستمزدی
دریافت نکرده‌اند. آنان حتی «عیدی» و
« پاداش» سال گذشته خویش را نیز
نگرفته‌اند. شمار کارگران این واحدها
بالغ بر ۵۰۰ نفر است. سرمایه‌داران
صاحب شرکت‌ها ماه‌ها قبل مبلغی بیش

اخراج، مجازات مطالبه دستمزد

کار کرده اند. همه آنان هر کدام به نوعی بیماری ناشی از عواقب شرایط هولناک کار دچارند. یکی از کمردرد مزمن فرساینده رنج می‌گشده، دیگری شب و روز از «آرتروز» می‌نالده، سومی سلامت ریه خویش را به طور کامل از دست داده است، چهارمی مفصل زانویش دچار بدترین آسیب‌ها شده است. ۵۲ کارگر اخراجی، همسان همه همزنجیران باقی مانده خویش در این کارخانه، از تمامی این امراض و بلاهای نازل مناسبات سرمایه‌داری رنج می‌کشند. آنان بیکارشدگان معلول و مصدومی هستند که عمر خود را در قالب سرمایه و سود به طور کامل تسلیم صاحبان سرمایه کرده‌اند و اینک خود و خانواده هایشان پیکر است به برهوت گرسنگی و مرگ پرتاب می‌شوند.

۸۷/۲/۱۸

حتی نمایندگان کارگران را به جرم پیگیری مطالبات آن‌ها اخراج و با تشکیل یک پرونده مشروح راهی محاکم قضائی سرمایه می‌کند. حکام شرع سرمایه در اجرای اوامر مطاع سرمایه‌دار بدون هیچ درنگ حکم به مجرمیت نمایندگان کارگران می‌دهند و به این ترتیب سرمایه‌دار صاحب پروفیل و لوله پیروز یک‌ه تار میدان کشمکش می‌گردد.

سرمایه‌دار مذکور در پیامد این پیروزی با حصول یقین کافی به آزاد بودن کامل در ارتکاب هر جنایتی علیه هر کارگر دستور اخراج ۵۰ کارگر دیگر را نیز صادر و بدون فوت وقت به اجرا می‌گذارد. کارگران که تا چندی پیش در کار مبارزه و اعتراض و ابراز خشم نسبت به وضعیت رقت بار کار و شدت استثمار بودند اینک در هاله مترامی از رعب و هراس به خود می‌پیچند. آنان سالیان زیادی است که در این کارخانه

کارگران کارخانه پروفیل ساوه ماه‌های زیادی است که با صاحبان سرمایه بر سر مسائل مختلفی در کشمکش و ستیز قرار دارند. چندی پیش در روزنامه‌ها خواندیم که دولت سرمایه‌داری از طریق «شورای تأمین استان» وارد جریان این مجادلات شده است و در جا حکم به تعطیلی کارگاه و به تعبیر واقعی حکم به اخراج و بیکارسازی کارگران داده است. به دنبال این امر قرار می‌شود که سرمایه‌دار صاحب کارخانه و نمایندگان کارگران با هم به گفتگو بنشینند و مسائل مختلف مورد مشاجره را به بحث بگذارند. این جلسه با تنظیم نوعی توافق‌نامه به پایان می‌رسد و کارگران به این امید که برخی مطالباتشان تحقق خواهد یافت کار خود را از سر می‌گیرند. چند روز پس از این رخداد کارفرمای متکی به ماشین قهر و سرکوب دولتی سرمایه‌ها نه فقط کل مفاد توافق‌نامه را زیر پا می‌گذارد که

مرگ یک کارگر دیگر در حین کار برای سرمایه

کارگران نمی‌بینند. علاوه بر این، در جامعه‌ای که کارگر زیر فشار گرسنگی و فقر و فلاکت هولناک و در سایه هیولای رعب‌آور بی‌نالی مرگ را بر زنده ماندن ترجیح می‌دهد پیداست که احساس احتیاج به حفظ جان در وجود خود او نیز کمرنگ می‌شود و می‌میرد. در زیر سیطره مناسباتی که سود سرمایه همه چیز و انسان هیچ چیز است وقوع این حوادث سرنوشت رایج لحظه به لحظه توده‌های فروشنده نیروی کار است. ۸۷/۲/۱۸

هولناک تر و وسیع تری دارد. در نظام سرمایه‌داری هر چه شمار کارگران افزون تر، هر چه رقابت میان کارگران برای یافتن کار حادثتر، هر چه درجه سازمان یافتگی و آگاهی و اعمال قدرت کارگران نازل تر و هر چه جنیتش کارگری در موقعیتی ضعیف تر باشد جان کارگران نیز برای سرمایه‌داران بسیار بی‌ارزش تر است. در چنین شرایطی سرمایه‌داران هیچ نیازی به هزینه کردن برای آموزش کارگران، برای تضمین امنیت جان آنان در حین کار و برای تهیه وسایل ایمنی مورد نیاز

یک کارگر ۲۰ ساله شهرداری در حین کار جان خویش را از دست داد. او در بزرگراه مدرس تهران مشغول رنگ کاری جدول‌ها بود که ناگهان توسط یک اتوموبیل درحال عبور زیر گرفته شد و در دم جان داد. بر اساس گزارش‌ها در همین نقطه سه اتوموبیل با هم تصادف می‌کنند که از میان آن‌ها یکی منحرف شده و کارگر ۲۰ ساله را به کام مرگ می‌کشد. کشتار کارگران بر اثر عوامل متعدد مربوط به فقدان ایمنی شرایط کار پدیده رایج تمامی دنیای سرمایه‌داری است. این امر در جامعه ما ابعاد بسیار

اعتصاب معلمان اسپانیا علیه سطح پایین دستمزدها

کارگران دامن زده و شیرازه حیات اجتماعی آنان را سخت دچار مخاطره ساخته است. افزایش بیش از حد شمار دانش‌آموزان در یک کلاس شرایط کار و تدریس برای معلمان را بسیار حد و طاقت فرسا ساخته است. فقدان امکانات مورد نیاز کار تدریس میزان این دشواری‌ها را باز هم بیشتر و عمیق تر کرده است. اختلال فضای آموزشی و

هایی هستند که در سطحی بسیار وسیع توسط دولت‌های مختلف سرمایه‌داری اروپا در طول دو دهه اخیر به اجرا در آمده‌اند. هدف واحد تمامی این سیاست‌ها و پروژه‌ها، تشدید فشار بر سطح زندگی توده‌های کارگر به نفع بالا بردن سود سرمایه‌ها است. این طرح‌ها و سیاست‌های ضدکارگری در سراسر اروپا موجی از اختلال را در زندگی

۵۰ هزار معلم اسپانیایی در اعتراض به سطح پایین دستمزدهای خود دست از کار کشیدند. کاهش امکانات آموزشی، کاستن از شمار معلمان و مشاغل پرورشی، امتناع از افزایش حقوق معلمان، بستن مدرسه‌ها و ادغام مراکز آموزشی درهم، از بین بردن تغذیه رایگان دانش‌آموزان مدارس و بسیاری اقدامات مشابه دیگر همه و همه طرح

تبدیل شدن مدارس به بازار خرید و فروش مواد مخدر، انحلال گسترده مراکز آموزشی در بازار فروش بازی های مخرب کامپیوتری و سرشکن شدن بار همه این مشکلات بر دوش معلمان درجه و خامت شرایط کار را باز هم بالاتر برده و بالاتر می برد. در متن همه این رخدادها، تنزل سطح دستمزدهای واقعی معلمان نیز دامنه نارضائاتی ها و خشم نسبت به وضعیت

موجود را روز به روز گسترش می دهد. دولت ها در همه جا واگذاری مدارس به بخش خصوصی را در دستور کار خود قرار داده اند. هدف از این کار تبدیل مراکز آموزشی به حوزه پیش ریز سرمایه و تشدید هر چه فرساینده تر تمامی فشارهای سهمگین بالا از طریق سرمایه داران خصوصی بر زندگی توده های کارگر است. بر بستر تمامی این تحولات فاجعه بار ناشی

از موج تعرض بی مهار سرمایه به زندگی و شرایط کار کارگران در همه قلمروها و از جمله در بخش های آموزش و پرورش است که شاهد اعتصاب ۵۰۰۰۰ معلم اسپانیایی علیه سطح پایین دستمزدها و برنامه خصوصی سازی مدارس این کشور توسط دولت سرمایه داری هستیم.
مه ۲۰۰۸

اعتصاب وسیع رانندگان تاکسی در مصر

به دنبال اعتصاب های وسیع کارگران کارخانه های نساجی در مصر اینک رانندگان تاکسی این کشور نیز دست به اعتصاب زده اند. کارگران راننده اعلام کرده اند که درآمد روزانه ناشی از ساعات کار آنان مطلقاً کفاف تأمین

معاش خانواده هایشان را نمی دهد. آنان فریاد می زنند که گرانی سرسام آور قیمت نیازهای معیشتی مزدهای واقعی آنان را به شدت کاهش داده و قدرت خرید آنان را به سمت صفر رانده است. رانندگان در همان حال بالا رفتن مستمر

بهای بنزین را نیز به عنوان یک عامل مهم و موثر دیگر در تنزل سطح مزدهای واقعی خود آماج اعتراض قرار داده اند.
مه ۲۰۰۸

« قانون کار »، قانون سلاخی کارگران توسط سرمایه

بر اساس ماده ۱۹۱ « قانون کار » دولت سرمایه داری ایران، تمامی سرمایه داران صاحب کارگاه های دارای کمتر از ۱۰ کارگر اختیار تام دارند که هر جنابیتی را علیه بردگان مزدی اسیر خویش اعمال کنند. نیاز به هیچ توضیحی نیست که دایره شمول این ماده مصوب پارلمان سرمایه مطلقاً به کارگاه های دارای کمتر از ۱۰ کارگر هم منحصر نمی شود. آنچه زیر نام این مصوبه یا « ماده قانونی » فرمول بندی و تصریح شده عین واقعیتی است که در کل جامعه ایران و در کل بازار خرید و فروش نیروی کار این کشور علیه توده های کارگر به اجرا در آمده و در می آید. به بیان دیگر، سرمایه داران اعم از دولتی یا خصوصی در کلیه مراکز کار

و تولید به همین سیاق با کارگران رفتار می کنند و از این نظر هیچ نوع محدودیتی ندارند. با همه این ها، اعلام رسمی و قانونی این امر به تمامی سرمایه داران این امکان و توان و چشم انداز را می دهد که بسیار گستاخ تر، بیرحم تر و انسان ستیز تر دست به کار سلاخی کارگران شوند. این امر در شرایط و در زمانی که طبقه کارگر زیر فشار پراکندگی و فقدان یک تشکل نیرومند سراسری ضد سرمایه داری قادر به اعمال قدرت متحد طبقاتی خود نیست کارگران را در موقعیت ضعیف تر و درمانده تر قرار می دهد، وحشت آنان از عواقب هر نوع اعتراض را بالا می برد و روحیه مدارا و تسلیم بیشتر را در میان آن ها رواج می دهد.

ماده ۱۹۱ « قانون کار » سرمایه در شهرستان یاسوج مثل همه شهرهای دیگر ایران تمامی این ستم ها را با همه وسعت و قدرت تأثیر بر سر کارگران فرود آورده و میدان یکه تازی کارفرمایان علیه توده های کارگر را وسیع تر ساخته است. کارفرمایان سقف دستمزدهای ماهانه را تا ۳۰۰۰۰ تومان پائین تر آورده اند و هر کارگری را بدون احتیاج به هیچ توضیحی و بدون هیچ استدلالی بیکار می کنند. این جنابیات در شهرستان یاسوج فقط توسط سرمایه داران خصوصی علیه کارگران اعمال نمی شود. عین همین ها در بخش های دولتی نیز علیه کارگران به اجرا در می آید.
۸۷/۲/۱۷

کارخانه «کومه ایران»، ستمگری کارفرما و گرسنگی کارگران

کارخانه « کومه ایران » در قزوین در زمره شرکت هایی است که در طول سال های اخیر با حداکثر ظرفیت تولیدی کار کرده، از وسیع ترین بازارهای فروش برخوردار بوده و در تشدید استثمار کارگران از به کارگیری هیچ

فرصتی و اعمال هیچ نوع راهکار سودجویانه ای دریغ نکرده است. نرخ اضافه ارزش هایش بیش از حد بالا و اقلام سودهایی که کسب کرده فوق العاده خیره کننده بوده است. سرمایه داران صاحب کارخانه اینک به دنبال کسب این

سودهای انبوه و کشف چشم اندازهای دلپذیرتر و وسوسه انگیزتر برای سرمایه گذاری های عظیم تر و حجیم تر دست به کار تعطیل این کارگاه هستند. آنان به روال معمول و مطابق آنچه که سیره و سنت آبا و اجدادی همه

سرمایه‌داران دنیا و نوع خاص وطنی آن‌ها است «وضعیت بد اقتصادی» و «بحران مالی» را دلیل کافی برای اقدام خویش اعلام کرده‌اند. کارفرمایان ۴ ماه است که به همین بهانه هیچ دستمزدی به

کارگران پرداخت نکرده‌اند. در طول این مدت همه کارگران در بیکاری و بلا تکلیفی محض به سر برده‌اند. خانواده‌های همه آنان زیر فشار فقر و گرسنگی

بوده و سرمایه‌داران هیچ وقعی به اعتراضات آنان نگذاشته‌اند.
۸۷/۲/۱۷

کارگران کاشی رویال در نیمه راه پیروزی

کارگران «کاشی رویال» دو روز تمام دست از کار کشیدند و چرخ تولید سود سرمایه را به طور کامل از کار انداختند. ۳۰۰ کارگر به طور متحد و همصدا دست به اعتصاب زدند و بسیار قاطع، مصمم و یکنل به کارفرما اخطار کردند که تا دریافت تمامی مطالباتشان به اعتصاب ادامه خواهند داد. کارگران کاشی رویال مدت‌ها بود که در اعتراض به سر می‌بردند اما کارفرمایان به این اعتراضات هیچ وقعی نمی‌گذاشتند. کارفرمایان همچنین در توجیه امتناع خویش از پرداخت دستمزدها و سایر مطالبات کارگران صدها دلیل و مدرک واهی را نیز جعل می‌کردند. اعتصاب ۲ روزه کارگران بساط این استدلال‌ها را یکسره در هم ریخت. کارفرمایان با مشاهده توقف تولید و انسداد جدی شریان سود به وحشت افتادند. زبان آن‌ها در تراشیدن استدلال‌های پر از تزویر بند آمد و برای غلبه بر این وضعیت ترجیح دادند که با کارگران به گفتگو بنشینند. آنان قبول کردند که نیمی از مطالبات تا حال کارگران را تا همین چند روز آینده بپردازند.

کارگران کاشی رویال در قبال عقب نشینی کارفرما به اعتصاب خود پایان دادند. آنان به نیمه راه موفقیت پا نهاده‌اند، اما تکلیف نیمه دوم مطالبات آنان هیچ معلوم نیست. آنچه کارگران در قبال ۲ روز اعتصاب به دست آوردند اگر چه بسیار اندک است اما از یک زاویه بسیار مهم است. اعتصاب کارگران و عقب نشینی کارفرما نشان داد که:

اعتصاب دو روزه و تجربه مبارزات کارگران البرز، ایران صدرا و کارگران جاهای دیگر هم همه و همه شاهد درستی این ادعا هستند. هر ذره امکانات که کارگران بخشی از دنیا در دوره‌های گذشته و حال به دست آورده‌اند صرفاً به زور و با توسل به قدرت طبقاتی کارگران به دست آمده است. قدرت خود را فراموش نکنیم، این قدرت به طور واقعی تاریخساز، دگرگون‌ساز و سرنوشت‌ساز است.

۳. هر چه دامنه اعمال قدرت متحد طبقاتی ما وسیع‌تر باشد، هر چه مبارزات مان سازمانیافته‌تر باشد، هر چه مبارزه ما علیه سرمایه‌داران و نظام سرمایه‌داری آگاهانه‌تر باشد، هر چه ضد سرمایه‌داری‌تر و نیرومندتر و متشکل‌تر و آگاه‌تر مبارزه کنیم نظام سرمایه‌داری و جبهه سرمایه‌داران را ضعیف‌تر و شکننده‌تر و سنگر پیکار طبقاتی خود را توفنده‌تر و نیرومندتر خواهیم ساخت و از این رهگذر موفقیت‌های بسیار بیشتری به دست خواهیم آورد.
۸۷/۲/۱۷

۱. کارفرمایان فقط زبان زور را می‌فهمند، آنان از همه عواطف و احساس‌های انسانی به طور کامل تهی هستند، حاضرند برای کسب یک ریال سود بیشتر شاهد مرگ فجیع هزاران و شاید میلیون‌ها انسان زیر فشار گرسنگی باشند. آنان تا لبه تیز شمشیر قدرت جمعی کارگران را بر گردن خود لمس نکنند به ساده‌ترین مطالبات آنان حتی به قبول پرداخت دستمزدهای ناچیز ماهانه آنان هم تن نمی‌دهند.
۲. با اعمال قدرت متحد جمعی علیه سرمایه و صاحبان سرمایه می‌توان به طور واقعی سرمایه‌داران و دولت آن‌ها را مجبور به عقب نشینی کرد. این تجربه‌ای است که تاریخ جنبش کارگری دنیا آن را اثبات کرده است. تجربه همین

تجمع اعتراض آمیز معلمان در مقابل سازمان آموزش و پرورش تهران

در پی آخرین بیانیه کانون صنفی معلمان ایران و پس از برگزاری تجمع روز ۱۲ اردیبهشت در این بابویه بر سر مزار دکتر خانعلی، روز دوشنبه ۱۶ اردیبهشت صدها تن از معلمان از ساعت ۱۳/۳۰ تا ۱۶/۳۰ در مقابل سازمان آموزش و پرورش تهران واقع در میدان فلسطین تجمع کردند. از ساعتی قبل نیروی انتظامی با تعداد کثیری از نیروهای خود به همراه گارد

ضد شورش، ماشین‌ها و تجهیزات کامل در تمام خیابان‌های اطراف و در جلو در سازمان آموزش و پرورش مستقر شده و مشغول گشت زنی بودند. معلمان که به صورت انفرادی یا در گروه‌های چند نفری به محل تجمع می‌آمدند و هر لحظه بر تعدادشان افزوده می‌شد با درهای بسته سازمان مواجه شدند. آنان با اعتراض به بسته بودن در سازمان در ساعت اداری خواهان باز شدن در و

ملاقات با وزیر آموزش و پرورش یا معاونان وی بودند. ماموران نیروی انتظامی با غیرقانونی خواندن این تجمع سعی در پراکنده کردن معلمان داشتند و به آنان می‌گفتند که متفرق شوند و محل را ترک کنند. معلمان با پافشاری بر خواسته خود می‌پرسیدند "آیا کارما کارمندان اداره که می‌خواهیم به اداره خود برویم و با وزیر و مسولان اداره ملاقات کنیم و مشکلات خود را با آن‌ها

در میان بگذاریم غیرقانونی است، اما بستن در اداره در ساعت اداری، نگه داشتن همکاران در پشت در بسته و جوابگو نبودن به آن ها قانونی است؟" نیروی انتظامی با گرفتن بلندگوی معلمان و پلاکارد بزرگی که در دست داشتند سعی کرد معلمان را متفرق کند ولی معلمان بر روی زمین در مقابل در اداره نشستند و با خواندن سرودی به یاد خانعلی معلم مبارزی که در اعتصاب معلمان در سال ۱۳۴۰ در تجمع معلمان در جلو مجلس به ضرب گلوله پلیس کشته شد، مراسم خود را آغاز کردند. در این مراسم ابتدا از طرف کانون صنفی معلمان ایران لوح تقدیری به خانواده دکتر خانعلی تقدیم شد. یکی از اعضای کانون معلمان با ابراز تاسف از این که این لوح تقدیر در خیابان و پشت درهای بسته اداره خود معلمان به خانواده استاد شهید خانعلی تقدیم می شود، متن لوح تقدیر را چنین قرائت کرد: "در شب تاریک استبداد خانعلی ستاره ای بود که درخشید، شعار او عدالت بود و شعار ما نیز". پس از آن دو لوح تقدیر دیگر به آقایان احدیان و فرد از بازماندگان اولین حرکات جنبش معلمان در دهه ۴۰ که در درگیری با پلیس مضروب شده بودند، اهدا شد. آقای فرد در سخنان خود گفت: "مهم ترین قدمی که برای گرفتن حق باید برداشت این است که ترس را در وجودمان بکشیم. بزرگ ترین گناه ترس است". معلمان در تأیید صحبت های ایشان یک صدا فریاد زدند: "معلم می میرد، ذلت نمی پذیرد". پس از آن یکی از معلمان که در پی اعتراضات معلمان در سال گذشته مدت ۷۱ روز در سلول انفرادی در بازداشت و تحت بازجویی بوده است طی سخنانی گفت: "امروز روزگار فرهنگ و فرهنگیان کشور بهتر از روزگار خانعلی نیست. ما را اخراج، دستگیر و زندانی می کنند، در دادگاه به ما اتهام اعدام علیه امنیت ملی می زنند در حالی که ما تنها حقوق حقه خودمان را می خواهیم. پس از گذشت ۵ سال هنوز قانون نظام هماهنگ حقوقی را اجرا نکرده اند. با تمام قوا برای اجرایی کردن نظام هماهنگ حقوقی متحد شویم". که معلمان با سر دادن شعار "نظام هماهنگ اجرا باید گردد" حرف های ایشان را تأیید کردند. یکی دیگر از سخنرانان طی سخنان خود تأکید کرد که "بازنشستگی هستند که

وضعیت معیشتی شان بسیار بدتر از شاغلان است که ما باید آن ها را هم در نظر بگیریم. ما از بازنشستگان محترم حمایت می کنیم". در پی این صحبت جمعیت فریاد زد: "حقوق بازنشسته، پول آب و برق نمیشه". "بازنشستگان محترم حمایتان می کنیم، حمایتان می کنیم". آقای باغانی رئیس کانون صنفی معلمان نیز در سخنانی اعلام کرد: "طبق اصل ۲۷ قانون اساسی هرگونه تجمع و تظاهرات مسالمت آمیز مجاز است. ما که اسلحه دستان نگرفته ایم. ما برای احقاق حقوق خودمان در اینجا جمع شده ایم. نیروی انتظامی موظف است امنیت ما را برقرار کند نه این که امنیت ما را بر هم بزند و با ما برخورد کند. اگر به خواسته های ما رسیدگی نشود، در روز ۱۳ مهر تجمع سراسری برگزار خواهیم کرد. ما از وزیر دعوت رسمی کرده ایم که به جمع ما بیاید اما نیامده. چه جمعی از این فریخته تر. ما متأسفیم برای وزیر که نگذاشته با ایشان صحبت کنیم. اما بدانید ما احتیاجی به شما نداریم. این شماست که به معلم احتیاج دارید. دولت احتیاج به معلمان دارد". در این هنگام معلمان با کف زدن های پیاپی صحبت های آقای باغانی را تأیید کردند. او ادامه داد: "ما رئیس جمهور را دعوت می کنیم که یک بار دیگر قانون اساسی را بخواند. رئیس جمهور مسئول اجرای قانون اساسی است. یک طرف دولت است، اما یک طرف هم ملت است. ملت اصل نظام است. رئیس جمهور مسئول است. رئیس جمهور نمی خواهد به معلمان عزت داده شود. ما به رئیس جمهور می گوئیم یک مناظره در تلویزیون بگذارد. ما اخطار دادیم. روز ۱۳ مهر ۲۰۰ هزار نفر از معلمان می آیند. معلمان حرفشان را بزنند. معلمان مصاحبه کنند. به جراید دستور داده اند با معلمان مصاحبه نکنند. چیزی از معلمان چاپ نکنند. تخم تملق و چاپلوسی در میان مردم افکنند و جلو نقد را گرفتن به مردم صدمه می زند. باغانی مهم نیست که اعدام شود، اما فرهنگ کشور در خطر است. بهشتی همکارمان را دستگیر می کنند. آقای بهشتی سه مرتبه زندان اوین را تجربه کرده. دستگیرش می کنند، تهدیدش می کنند، زنش را تهدید می کنند، بچه اش را تهدید می کنند". در این هنگام جمعیت فریاد زد: "بهشتی، بهشتی حمایتت می کنیم".

باغانی ادامه داد: "معلم نباید ترسو باشد. معلم باید شجاع باشد. اگر معلم ترسو باشد، بچه های ترسو تربیت می کند. رئیس جمهور باید افتخار کند که معلمان شجاع هستند. ما از وزیر و مسئولان اداره آموزش و پرورش شکایت می کنیم که در اداره را در ساعت اداری به روی معلمان بستند. کانون صنفی معلمان قانونی است. ما مجوز از وزارت کشور داریم. ما اساسنامه داریم. مجمع عمومی تشکیل داده ایم. هیئت مدیره را با رای معلمان انتخاب کرده ایم". معلمان یک صدا شعار دادند: "معلم آزاده آماده ایم، آماده". در پایان قطعنامه مراسم خوانده شد که طی آن معلمان خواهان اجرای نظام هماهنگ پرداخت حقوق، پرداخت مطالبات معوقه معلمان، امنیت شغلی معلمان، لغو احکام اخراج، تبعید و زندان معلمان و پایان دادن به دستگیری و محاکمه معلمان شدند. این مراسم با شرکت حدود ۴۰۰ نفر از معلمان برگزار شد و با این که نیروی انتظامی بارها تلاش کرد معلمان را متفرق کند حدود ۳ ساعت ادامه پیدا کرد. معلمان پلاکاردهایی در دست داشتند که مسائل و مشکلات و خواسته های آن ها را بیان می کرد، از جمله:

لایحه مدیریت خدمات کشوری، رفع تبعیض و حقوق عادلانه نظام هماهنگ اجرا باید گردد آنچه هر روز در رسانه ها به معلم می دهید، به خودشان بدهید معیشت و منزلت حق مسلم ماست در کجای دنیا معلم را به جرم یک حرکت صنفی در دادگاه محاکمه می کنند شرایط کاری بهتر برای معلمان به معنای شرایط یادگیری بهتر برای دانش آموزان است وعده های تو خالی تا کی؟ تخریب وجهه معلم تا کی؟ آموزش و پرورش آبرومند، مدیریت انتخابی، امنیت شغلی معلم چه کند که معلم بماند و نیازمند نباشد از پول نفت بر سر سفره های مردم فقط کوبن عدس به معلمان رسید دو خبر از جراید: - ایران کمک دومیلیاردی به شکل وام کم بهره و کمک بلا عوض در اختیار سریلانکا قرار می دهد.

- حق الزحمه معلمان شش ماه به تعویق افتاده است.

آنچه باید در مورد این تجمع معلمان و نیز تجمع پیش از آن در ابن بابویه گفت فضای توهم آمیز حاکم بر سخنان و شعارهایی است که این گونه القا می کنند که گویا معلمان با استناد به "قانون" و "اصلاحات" و نظایر این ها می توانند به مطالبات خویش دست پیدا کنند. باید از "کانون صنفی معلمان" و تشکل های نظیر آن پرسید آیا شکست کامل اصلاح

طلبان دوخردادی برای اثبات توهم آمیز بودن این رویکرد کافی نبود؟ آیا این شکست مفتضحانه به روشنی نشان نداد که سرمایه و دولت آن در ایران اصلاح پذیر نیست؟ آیا این شکست نشان نداد که "نیازمند" بودن معلمان، خالی بودن سفره های آنان، بی منزلتی، عدم امنیت شغلی، دستمزدهای فرسنگ ها زیر خط فقر، عدم پرداخت بموقع همین دستمزدهای ناچیز، بی حقوقی و سرکوب اعتراض ها، دستگیری و محاکمه و زندان و اخراج و تبعید و به

طور کلی تمام آنچه معلمان می کشند نه به خاطر "عدم اجرای" ! قانون اساسی و "اصلاحات" و نظایر این ها بلکه دقیقاً به علت حاکمیت رابطه سرمایه بر زندگی آنان است و معلمان اگر می خواهند از دست این مصائب رها شوند باید دست در دست سایر کارگران برای از میان برداشتن این رابطه انسان ستیز و دولت مدافع آن مبارزه کنند؟

۱۷ اردیبهشت ۸۷

کارخانه شاهو سنج شکلات خواهد ساخت

هدف کار و تولید در نظام سرمایه داری صرفاً تولید سود، افزایش سرمایه، تولید سود باز هم بیشتر و افزایش باز هم انبوه سرمایه ها است. آنچه سرمایه داری دنبال می کند تبدیل مستمر کار زنده کارگران دنیا به کار مرده یعنی به سرمایه است. در این شیوه تولید آنچه مطلقاً هیچ موضوعیتی ندارد انسان و سرنوشت انسان و نیازها و ملزومات زندگی و رشد و بالندگی انسان هاست و آنچه که همه چیز است فقط سود و سرمایه و سرمایه و سود است. سرمایه دار صاحب کارخانه شاهو تا دیروز پارچه تولید می کرد زیرا که کسب سود دلخواه را در تولید پارچه های مورد نیاز بازار می دید. این سرمایه دار امروز در تولید پارچه چشم انداز به دست آوردن همه سودهای دلخواه خود را نمی بیند زیرا بازار رقابت پارچه در سطح بین المللی به گونه ای است که نمی تواند سهم مورد انتظار خویش را از کل اضافه ارزش ها و سودهای کلانی که کارگران دنیا تولید می کنند به چنگ آورد. سرمایه دار صاحب کارخانه شاهو به همین دلیل

ترجیح می دهد که از این پس به جای پارچه شکلات تولید کند. خط تولید جدید در قیاس با نساجی بسیار پرسودتر است. سرمایه داران در هر لحظه ای که بر اساس بازاریابی ها، پژوهش ها و محاسبات بسیار دقیق سرمایه دارانه خود متوجه شوند که مثلاً فروش مواد مخدر از تولید کتاب درسی و دارو و مواد غذایی پرسودتر است به طور قطع این کار را می کنند. کارفرمای مالک کارخانه «شاهو» کاری را می کند که همه سرمایه داران می کنند. بحث اساسی در اینجا سرنوشت کارگران است. این کارخانه زمانی ۵۰۰ کارگر را در بدترین شرایط کاری و به شدیدترین میزان استثمار می کرده است. از این ۵۰۰ کارگر در وضعیت حاضر فقط ۴۰ کارگر باقی مانده اند و این ۴۰ کارگر نیز اینک در معرض اخراج حتمی قرار گرفته اند. سوال این است که کارگران در معرض اخراج و سایر همزنجیران آنان در جاهای دیگر چه باید بکنند؟ مادام که حرف اول و آخر را سرمایه و سرمایه داران می زنند سرنوشت کارگران همین است. تا

سرمایه به نیروی کارشان نیاز دارد آنان را استثمار می کند و به محض این که نیازمند این نیرو نیست کارگر را به برهوت گرسنگی پرتاب می کند. اگر قرار است وضع چنین نباشد باید بر موقعیت سرمایه دار و سرمایه به عنوان گویندگان حرف اول و آخر خط کشیده شود. باید کارگران حرف بزنند و منظور از حرف زدن نه اعتراض لفظی و شکایت و ابراز انزجار و جنجال توخالی بلکه اعمال قدرت متحد طبقاتی علیه نظام سرمایه داری است. برای این کار باید متشکل و متحد گردید. باید در مقابل قدرت، اعمال قدرت کرد. باید به صورت شورایی علیه سرمایه متشکل شد. چرا باید کارفرما بتواند کارخانه نساجی را به کارگاه شکلات سازی تبدیل کند؟ چرا نباید کارگران کارخانه را که محصول کار آن ها است از دست سرمایه دار بگیرند و خود از طریق شورای خویش برنامه ریزی و اداره کنند؟

۱۷/۲/۸۷

معدنچیان سنگرود و ۱۷ ماه حقوق معوقه

در معدن سنگرود ۶۱۸ کارگر استثمار می شوند. بازار فروش مواد و مصالح استخراجی معدن بسیار پررونق و پرسود است. استثمار کارگران نیز از بالاترین میزان شدت برخوردار است. با این وجود ۱۷ ماه تمام است که هیچ دستمزدی به این ۶۱۸ کارگر پرداخت

نشده است. سرمایه داران هیچ دلیل معینی برای این کار خویش مطرح نکرده اند اما احتمالاً آنان هم مثل همه افراد دیگر طبقه خود دچار «وضع بد اقتصادی و بحران مالی» هستند! کارگران مدت ها است که دست به اعتراض زده و فریاد خشم خود را به

گوش همه رسانده اند. کارفرمایان تا لحظه حاضر هیچ پاسخی به این اعتراضات نداده اند. یکی از کارگران که در حین کار زیر فشار نبود هیچ نوع امکانات ایمنی سخت مجروح شده است به لحاظ جسمی و روحی در وضعیت بسیار بدی به سر می برد. سرمایه دار

صاحب معدن نه فقط به این کارگر هیچ کمکی نکرده است که اصلاً برای تأنیه ای هم فکر خود را به او و کارگران

مانند او مشغول نکرده و طبیعتاً نخواهد کرد. سر سرمایه به سلامت باد! چه غم اگر که چراغ عمر چند صد میلیون

کارگر دنیا زیر فشار فقر و گرسنگی خاموش می شود. ۸۷/۲/۱۷

اعتصاب عظیم کارگران نیشکر هفت تپه

۳۰۰۰ کارگر نیشکر هفت تپه از ساعت هفت صبح روز سه شنبه ۱۷ اردیبهشت در اعتراض به عدم پرداخت ۲ ماه دستمزد خویش و با طرح چند مطالبه مهم دیگر دست به اعتصاب زدند. کارگران تمامی بخش های کارخانه در اعتصاب شرکت دارند و در حال حاضر کلیه عرصه های کار و تولید شرکت به طور کامل متوقف شده است. مطالبات کارگران عبارت است از:

۱. پرداخت فوری دو ماه دستمزد معوقه

۲. پایان دادن به پرونده سازی ها علیه فعالین کارگری و احضار آنان به دادگاه
۳. برکناری یعقوب شفیعی مدیر عامل و کلیه اعضای هیئت مدیره شرکت
۴. برکناری «زیبیداری» رئیس حراست شرکت به دلیل شرکت مؤثر او در پرونده سازی علیه فعالان کارگری

کارگران نیشکر هفت تپه از شروع سال گذشته تا امروز بیش از ۱۳ بار دست به اعتصاب زده اند. آنان با توسل به قدرت مبارزه جمعی خود در چند نوبت صاحبان سرمایه را مجبور کرده اند که

دستمزدهای معوقه آنان را پرداخت و به برخی خواست های دیگر توده کارگر تمکین کنند. کارگران در روز شروع اعتصاب حاضر از ورود مدیر عامل به محوطه کارخانه جلوگیری کردند و به این ترتیب مراتب خشم و انزجار خویش علیه سرمایه داران به نمایش نهادند. کارگران نیشکر هفت تپه از همه همزنجیران خویش در ایران و جهان می خواهند که از مبارزات آنان به طور مؤثر جانبداری کنند. ۸۷/۲/۱۷

ادامه مبارزات معلمان بازنشسته کرمانشاه

معلمان بازنشسته کرمانشاه در روز دوشنبه ۱۶ اردیبهشت برای ششمین بار در مقابل اداره آموزش و پرورش شهر جمع شده و دست به اعتراض زدند. در این اجتماع بیش از ۲۵۰۰ معلم بازنشسته از سراسر استان شرکت کردند. مطالبات آنان همان گونه که تا کنون به کرات اعلام کرده اند عبارت

بود از پرداخت بی قید و شرط پاداش خدمت به صورت نقدی. معلمان اعلام کرده اند که مبارزات خود را تا حصول آخرین ریال ادامه خواهند داد. آنان تصمیم گرفته اند که به صورت دسته جمعی راهی تهران شده و فریاد خشم و اعتراض خود را در خیابان های پایتخت و در مقابل مجلس سرمایه به گوش

همگان برسانند. معلمان اقدام دولت سرمایه در زمینه اجرای سناریوهای عوام فریبانه و راه انداختن جار و جنجال و دروغ تبلیغاتی پیرامون پرداخت مطالبات خود را نکوهش کردند و دست به افشای این عوام فریبی ها زدند. ۸۷/۲/۱۷

اعتراض کارگران کارخانه «پارس لامه»

۱۸۰ کارگر کارخانه نساجی پارس لامه در استان ساوجبلاغ ۲ ماه تمام است که دستمزدهای خود را دریافت نکرده اند. این کارگران جدا از عدم دریافت دستمزدهای خویش به صورت بسیار جدی تهدید به بیکاری می شوند. سرمایه دار صاحب کارخانه در اینجا نیز به سیاق همه جاهای دیگر ترانه وضعیت بد مالی را به صورت مدام در

گوش کارگران زمزمه می کند، ترانه ای که پیام آن بیکاری کارگران و آماده شدن آنان برای گرسنگی زن و فرزند است. این که صاحب «پارس لامه» پس از تعطیلی کارگاه سرمایه های خود را در کدام حوزه سودآورتر سرمایه گذاری خواهد کرد موضوعی است که تا به حال از انظار مخفی مانده اما این که سرنوشت کارگران و خانواده های آن ها

پس از سالیان متمادی کارمزدی در این واحد صنعتی به کجا خواهد انجامید از همین لحظه برای همگان بسیار روشن است. آنان در شعله های مرگبار گرسنگی ناشی از استثمار و بی حقوقی و جنایات سرمایه خواهند سوخت. ۸۷/۲/۱۷

اعتصاب کارگران معدن شیلی پایان یافت

اعتصاب کارگران بزرگ ترین معدن در شیلی که از ۲۰ روز پیش (۱۶ آوریل) شروع شده بود، امروز خاتمه یافت. این اعتصاب که توسط کارگران قراردادی شروع و سازماندهی شده بود،

توانست در عرض ۲۰ روز به یک تهدید جدی علیه کل صاحبان سرمایه در شیلی تبدیل شود. اعتصاب در عرض ۲۰ روز خسارات بسیار سنگینی را که گفته می شود بیش از ۱۰۰۰۰۰ دلار

امریکایی است به صاحبان سرمایه تحمیل کرد. اتحادیه کارگران معدن شیلی برای به شکست کشاندن این اعتصاب به بیشترین همکاری ها با دولت دست زد. اما مقاومت کارگران

همان حال ۸۰ ۱۰ دلار به هر کارگر پرداخت کند.
مه ۲۰۰۸

ادامه یافت و اعتصاب سرانجام به پیروزی رسید. دولت شیلی مجبور شد به افزایش بیمه کارگران تن دهد و در

گرامیداشت روز معلم در ابن بابویه

روز دوشنبه ۸۷/۲/۱۶ در مقابل اداره آموزش و پرورش جمع خواهند شد و اگر باز هم پاسخ نشیندند حرکت اعتراضی بعدی خود را در آنجا به اطلاع عموم خواهند رساند. مراسم با شعارهای "معلم شد خسته، تبعیض دیگه بسه" و "معلم آزاده، آماده باش آماده" پایان یافت.
۸۷/۲/۱۳

۱- پرداخت مطالبات معلمان به ویژه حق التدریس که ۶ ماه به تاخیر افتاده است.
۲- لغو تمام احکام در مورد زندان، تبعید و اخراج معلمان
حضور نیروهای اطلاعاتی در مراسم کاملاً محسوس بود. نیروهای انتظامی در اطراف مراسم به طور چشمگیری حضور داشتند. معلمان تأکید کردند که اگر به خواست هایشان جواب داده نشود

روز ۸۷/۲/۱۲ به مناسبت سالگرد کشته شدن دکتر خانعلی صدها نفر از معلمان بر سر مزار او در ابن بابویه گرد آمدند و روز معلم را گرامی داشتند. مراسم ساعت ۳ بعد از ظهر شروع شد. ابتدا برادر خانعلی صحبت کرد و سپس سخنرانان در مورد مطالبات معلمان سخن گفتند و روی خواست های زیر تأکید کردند:

ذغال سنگ طبس و تعویق دستمزد کارگران

هایی سوزناک فقدان نقدینگی را چون چماق بر سر و کله کارگران معترض فرو می‌کوبند! سرمایه‌داران در مقابل اعتراضات کارگران به طور معمول با توسل به قوای سرکوب و نیروهای پلیسی و نظامی خویش از آوردن بهانه و استدلال بی‌نیازند. اما جالب است که اگر هم اینجای آنجا بهانه یا دلیلی مطرح کنند بهانه‌ها و استدلال هایشان جز افشای تزویر و ریاکاری آن‌ها هیچ خاصیت دیگری ندارد.
۸۷/۲/۱۶

داشته‌اند اما به هر حال در شرایط موجود برای پرداخت حقوق ماهانه آنان مشکل دارند! در مورد اظهارات کارفرمای ذغال سنگ طبس و همه کارفرمایان همنوای ایشان یک نکته بسیار مهم قابل‌تعمق است. حجم بسیار سنگین و مترکم نقدینگی‌های موجود در جامعه به تمام و کمال در دست صاحبان کارخانه‌ها و مؤسسات مالی و اقتصادی بخش خصوصی قرار دارد، اما دقیقاً همین سرمایه‌داران به محض این که پای پرداخت دستمزدهای معوقه کارگران پیش می‌آید با نعره‌ها و شیون

کارخانه ذغال سنگ طبس حدود ۱۲۰۰ کارگر را استثمار می‌کند. کارگران از شروع سال جاری تا امروز ریالی دستمزد دریافت نکرده‌اند. آنان برای گرفتن مطالبات خود کارفرمایان را زیر فشار قرار داده‌اند اما صاحبان سرمایه در اینجا نیز با نهادن انگشت بر «وضعیت بد مالی» کارگاه و «فقدان نقدینگی!» که ورد زبان همه سرمایه‌داران ایرانی است از پرداخت مزدها خودداری می‌کنند. کارفرمایان در همان حال گفته‌اند که انتظار شروع اعتراضات و اعتصابات کارگران را

اعتصاب کارگران در کارخانه «کاشی رویال»

سرمایه برای امتناع از پرداخت دستمزدهای کارگران تا هر زمانی که خواهند و پاره‌ای محاسبات واقعی دیگر به او الهام می‌کنند که بهتر است پول لازم جهت پرداخت حقوق چند ماهه کارگران را به هزینه مورد نیاز سرمایه‌گذاری‌های تازه اختصاص دهد!
۸۷/۲/۱۶

ادامه خواهند داد. سرمایه‌دار صاحب کارخانه «کاشی رویال» علاوه بر این کارخانه دو واحد بزرگ صنعتی دیگر به نام‌های «چینی رویال» و «سیمان رویال» را نیز در مالکیت خود دارد. به نظر می‌رسد که چشم انداز احداث کارخانه‌های جدید دیگر، امکان استثمار نیروی کار شبه‌رایگان باز هم بیشتر، آزادی و اختیار بی‌مرز همه صاحبان

۳۰۰ کارگر قراردادی شرکت کاشی رویال در سمنان ۳ ماه تمام است که هیچ دستمزدی دریافت نکرده‌اند. آنان بابت «مزایای شغلی» نیز هیچ چیز نگرفته‌اند. کارگران به همین دلیل ۲ روز است که چرخ کار و تولید را به طور کامل از کار انداخته‌اند و در اعتصاب به سر می‌برند. آنان تأکید کرده‌اند که تا دریافت همه مطالباتشان به اعتصاب خویش

کارخانه نساجی کردستان تعطیل می‌شود

تضمینی برای زندگی و با دستان کاملاً خالی همچون انسان‌هایی که تمامی دار و ندار خویش را باخته‌اند به خیل عظیم بیکاران می‌پیوندند. آنان همه عمر خود را در کوه عظیم اضافه ارزش‌ها و سودها به صاحبان سرمایه تسلیم کرده‌اند. سرمایه‌هایی که اینان تولید کرده‌اند

های مدیدی است که در این مؤسسه به کار اشتغال دارند. فشار استثمار و شرایط کار کارگران همواره و در همه دوره‌ها بسیار سخت بوده است. این جمعیت اکنون به دنبال همه استثمار مرگباری که در این سال‌های طولانی تحمل کرده است بدون داشتن هیچ

سرمایه‌دار صاحب کارخانه نساجی کردستان به کارگران این واحد صنعتی اخطار کرده است که هر چه زودتر آنان را بیکار خواهد کرد. پس از باز خرید صدها کارگر در سال‌های اخیر، اکنون در این کارخانه ۱۷۰ کارگر استثمار می‌شوند. شمار زیادی از این کارگران سال

اکنون بنیاد قدرت و تسلط و فرمانروایی سرمایه‌داران است. این سرمایه‌ها اینک در دستان مالکان خود با بی‌رحمی و شقاوت کامل حکم به اخراج تولید

کنندگان واقعی خویش می‌دهند و آن‌ها را راهی دیار ناداری و گرسنگی و مرگ می‌کنند.
۸۷/۲/۱۶

مبارزات کارگران در مصر و میدان داری اپوزیسیون های درونی سرمایه

هر کجا که صدای طبقه کارگر علیه شدت استثمار، گرسنگی، آوارگی، بی‌حقوقی، موقعیت وخیم معیشتی و اجتماعی خود بلند می‌شود، اپوزیسیون های درونی سرمایه نیز به سرعت برق آشیانه های امن سکوت و سازش را برای نشستن بر موج مبارزات کارگران و یافتن سهمی مطلوب تر در ساختار قدرت دولتی سرمایه ترک می‌گویند. ماه‌ها است که توده های کارگر مصر علیه سطح بسیار نازل دستمزدها، تنزل بیش از حد میزان مزدهای واقعی زیر فشار گرانی های سرسام آور و محرومیت عمیق از همه امکانات رفاهی و اجتماعی در حال اعتراض و مبارزه به سر می‌برند. اعتصابات گسترده کارگران بسیاری از نساجی‌ها از جمله بزرگ‌ترین کارخانه نساجی خاورمیانه در همان حال که دولت مصر را دست به کار تدارک وسیع‌ترین سرکوب‌ها علیه طبقه کارگر این کشور کرد اپوزیسیون های درونی بورژوازی را نیز از همه سو به جنب و جوش انداخت تا فضای مبارزه طبقاتی میان توده های کارگر و نظام سرمایه‌داری را به میدان

مشاجرات رفرمیستی میان خود و رقبای مسلط حکومتی تبدیل کنند. این جماعت اخیراً با طرح ضرورت اصلاحات سیاسی، از کارگران و سایر توده های زحمتکش خواسته اند تا به جانبداری از حرف های آنان در خانه بمانند و به نشانه « سوگواری برای آینده کشور»! لباس سیاه بپوشند. معضل کارگران مصر نه میهن، نه آینده میهن، نه درد میهن و نه هیچ مسئله « میهنی» و « ملی» بلکه فشار مرگبار استثمار سرمایه، ستمگشی فرساینده و نابودساز ناشی از حاکمیت سرمایه و مشقات، مصائب، ادبار و ذلت ناشی از تسلط رابطه خرید و فروش نیروی کار در جامعه و جهان است. طبقه کارگر مصر یکسره در زیر خط رسمی فقر زندگی می‌کند و درآمد روزانه کارگران از ۲ دلار آمریکا کمتر است. جنبش کارگری مصر به طور قطع در هیاهوها و جار و جنجال اپوزیسیون های درونی سرمایه هیچ نفعی ندارد و هر گام همسویی آن با این اپوزیسیون‌ها گامی در خلع سلاح طبقاتی اش به نفع کل بورژوازی مصر و عرب و جهان

خواهد بود. کارگر مصری امروز در موقعیتی بسیار حساس و سرنوشت ساز قرار دارد. او می‌تواند با افراشتن بیرق ستیز علیه سرمایه‌داری و با تلاش برای سازمانیابی سراسری ضد سرمایه‌داری نه فقط توده های کارگر همزنجیر خویش در مصر که کارگران بسیاری از جوامع دیگر سرمایه‌داری عرب، کارگر فلسطینی، کویتی، سعودی، اردنی و لبنانی و سوری را با خود همراه سازد. رسالت یک اتحاد سراسری ضد سرمایه‌داری از همه توده های کارگر کشورهای عربی امروز بیش از همه بر دوش کارگر مصری سنگینی می‌کند. راه پیکار طبقه کارگر مصر نه همسویی با اپوزیسیون های بورژوازی مصر بلکه متحد کردن توده های طبقه خود علیه سرمایه و هموارسازی راه این اتحاد در میان کارگران همه کشورهای همجوار برای تسویه حساب با کل بورژوازی عرب است. کارگر مصری اگر چنین کند راه درست رهایی کارگر فلسطینی را نیز بر روی همه کارگران منطقه باز کرده است.
مه ۲۰۰۸

اعتصاب رانندگان تاکسی در کرمانشاه

روز دوشنبه این هفته ۲۰۰ راننده تاکسی در کرمانشاه دست از کار کشیدند و در « میدان آزادی» این شهر به اعتصاب نشستند. کارگران راننده دلیل اعتصاب را فقدان سوخت لازم برای کار روزانه تاکسی های خویش اعلام کرده اند. آنان در همان حال علیه سطح نازل دریافتی های ماهانه، فشار سرسام آور گرانی ها و انبوه معضلات زندگی

دست به اعتراض زدند. یکی از کارگران در تشریح مشکلات خویش گفت که هر ماه ۱۲۰ هزار تومان بابت قسط تاکسی به صاحبان سرمایه پرداخت می‌کند، ۴۰ هزار تومان به عنوان حق بیمه می‌پردازد و اجاره بهای ماهانه محل سکونتش نیز بالغ بر ۸۰ هزار تومان است. کارگران می‌گفتند که کل سوخت دریافتی آن‌ها فقط برای ۴

ساعت کار روزانه کفاف می‌دهد و با درآمد ناشی از این ۴ ساعت کار قادر به تأمین هزینه معاش خودشان و فرزندان‌شان نیستند. رانندگان به ویژه کمبود شدید جایگاه های تأمین سوخت و نبود گاز CNG در محل های سوخت گیری را مورد اعتراض قرار دادند.
۸۷/۲/۱۶

تظاهرات کارگران یخچال سازی خرم آباد

سرمایه‌داری بود. از جمله شعارهای کارگران یکی هم این بود: «مسولین بی غیرت! گرسنه ایم، گرسنه».

۸۷/۲/۱۶

پیمایی با خشم و نفرت تمام اقدام به بستن همه راه ها و خیابان های منتهی به فرمانداری کردند. در این تظاهرات پلاکاردها و دست نوشته های زیادی توسط راه پیمایان کارگر حمل می گردید. محتوای نوشته ها عموماً ابراز نفرت از صاحبان سرمایه و دولت

۱۵۰ کارگر یخچال سازی خرم آباد در مقابل فرمانداری این شهر تجمع کردند و دست به اعتراض زدند. بسیاری از کارگران این کارخانه مدت ها است که بیکارند. آنان خواستار بازگشت به کار و پرداخت حقوق دوران اخراج خود هستند. کارگران در ادامه تجمع و راه

۵ فعال کارگری نیشکر هفت تپه به دادگاه احضار شدند

اند. محاکمه این کارگران علی الاصول نوعی تدبیر و چاره اندیشی سیستم حقوقی سرمایه‌داری ایران برای جلوگیری از مبارزه کارگران برای پرداخت دستمزدهای معوقه است.

۸۷/۲/۱۶

کارگران باید روز ۳۱ اردیبهشت خود را به دادگاه معرفی کنند تا به جرم این که خواستار پرداخت دستمزدهایشان بوده اند مورد محاکمه قرار گیرند! کارگران نیشکر هفت تپه با وجود ماه ها مبارزه و اعتصاب و به رغم ۱۱ اعتصاب متوالی در طول سال گذشته باز هم دو ماه تمام است که هیچ دستمزدی دریافت نکرده

دادگاه انقلاب دزفول ۵ فعال کارگری نیشکر هفت تپه را به جرم مطالبه دستمزدهای پرداخت نشده خویش و همزنجیرانشان به محاکمه فراخوانده است. این فعالین کارگری عبارتند از: فریدون نیکوفرد، علی نجاتی، جلیل احمدی، محمد حیدری مهر و رمضان علی پور. طبق احضاریه صادره این

ادامه مبارزات معدنچیان شیلی و تهدید جدی برای صاحبان سرمایه

اعضای اتحادیه کارگری معادن شیلی در طول این اعتصاب نقش عناصر اعتصاب شکن را برعهده داشته اند. آنان همه توان خود را علیه کارگران، به نفع صاحبان سرمایه و با هدف به شکست کشاندن اعتصاب به کار گرفته اند. کارکنان و دست اندرکاران اتحادیه به همین دلیل بارها مورد خشم کارگران اعتصابی واقع شده اند و کارگران در چند مورد با سنگ و چوب به اتوبوس حامل این اعتصاب شکنان اتحادیه چی حمله کرده اند. مه ۲۰۰۸

اعتصاب کارگران معدنچی تا همین امروز خسارات بسیار سنگینی را به صاحبان سرمایه تحمیل کرده است. گزارش ها حاکی است که میزان این خسارت از مرز ۱۰۰ میلیون دلار بالاتر رفته است.

شرکت معدن کودالکو "Codelco" بیش از ۴۷۰۰۰ کارگر را استنمار می کند. از این تعداد بیش از ۳۰۰۰۰ نفر با قرار دادهای موقت کار می کنند. سود خالص شرکت در سال ۲۰۰۴ از ۱۱ میلیارد دلار متجاوز بوده است.

اعتصاب کارگران بزرگ ترین معدن شیلی که از ۱۹ روز پیش (۱۶ آوریل) شروع شده است تا لحظه حاضر ادامه دارد. خواست کارگران افزایش دستمزد و تضمین امنیت شغلی است. بیشتر کارگران در چهارچوب قراردادهای موقت کار می کنند. اعتصاب بارها مورد هجوم پلیس ضدشورش قرار گرفته است و کارگران برای دفاع از خود در مقابل هجوم نیروهای پلیس و ارتش راه های منتهی به معدن را بسته اند.

گسترش اعتصاب در کارخانه های کفش ویتنام

اعتصاب تا امروز دستگیر شده اند و صاحبان سرمایه در پرتو حمایت دولت اخطار کرده اند که اگر کارگران اعتصاب را ادامه دهند از کار اخراج خواهند شد. مه ۲۰۰۸

به گروه صنعتی عظیم «نایک» است دامنه ای بسیار وسیع پیدا کرد. خواست کارگران ۲۸٪ اضافه دستمزد است و آنان اعلام کرده اند که تا رسیدن به این مطالبه مبارزات خویش را ادامه خواهند داد. شمار زیادی از فعالان و رهبران

۳۰۰۰ کارگر کفش در کارخانه ای که متعلق به یک شرکت بزرگ تایوانی در کشور ویتنام است در ماه گذشته دست به اعتصاب زدند. اعتصاب کارگران این شرکت با ورود ۴۰۰۰ کارگر یک واحد بزرگ دیگر تولید کفش که متعلق

تداوم و گسترش مبارزات کارگران پرستار در سوئد

دموکرات مقام و موقعیت کارفرما را داراست و هم در عین حال نقش اتحادیه کارگران را ایفا می کند و بناست که با کارفرمایان وارد مذاکره و سازش گردد!! این مسئله در اول ماه مه امسال به صحنه بسیار مبتدلی تبدیل شد. رسم سران اتحادیه کارگری و حزب سوسیال دموکرات این است که در مراسم اول ماه مه برای جلب آرای کارگران از هیچ عوام فریبی و دغلیکاری دریغ نمی کنند. اما این کار امسال به دلیل تقارن این روز با اعتصابات کارگران بیمارستان ها کار ساده ای نبود. نمی شد هم کارفرما بود و هم در پشت تریبون اول ماه مه از اعتصاب کارگران جانبداری کرد. خانم « مونسالین» (Mona Salin) و خانم « وانیا لوندبی ویدین» (Vanja Lundby Wedin) رؤسای حزب سوسیال دموکرات و اتحادیه کارگری سوئد عملاً حتی حاضر به ابراز هیچ نوع حمایت عوام فریبانه ای از اعتصاب پرستاران هم نشدند. نماینده پرستاران در حال اعتصاب به همین دلیل و زیر فشار بی تریبونی به پدیده ای به نام « حزب چپ» پناه برد، حزبی که تاریخاً و سنتاً نقش اپوزیسیون چپ سوسیال دموکراسی و عصای دست حزب سوسیال دموکرات را در تحمیل نظم تولیدی و سیاسی و بربریت سرمایه داری بر طبقه کارگر سوئد ایفا کرده است.

مه ۲۰۰۸

اتحادیه سراسری کارگران «LO» در مقابل موج مبارزات کارگران است. کل بیمارستان ها و سیستم درمان و همه مؤسسات تابع بخش های یاد شده، توسط نهادهای دولتی خاصی به نام شوراهای شهرها «Kommun» و شوراهای استان ها «Landsting» اداره می شوند و همین نهادها هستند که کارفرمایان واقعی توده های کارگر شاغل در این بخش ها را تشکیل می دهند. حزب سوسیال دموکرات به طور معمول عظیم ترین نقش و در بدترین حالت نقش دوم را در این نهادها ایفا می کند. در همان حال بوروکراسی اتحادیه کارگری نیز به عنوان یک نیروی آمیخته و غیرقابل تفکیک از حزب سوسیال دموکرات در ایفای این نقش به تمام و کمال با حزب مذکور شریک است، به این معنی که شمار قابل توجهی از نمایندگان سوسیال دموکرات شوراهای استان ها یا شهرستان ها همان اعضای اتحادیه کارگری هستند. محصل کلام این که بوروکراسی اتحادیه کارگری و حزب سوسیال دموکرات عملاً در مقام کارفرمایان و صاحبان واقعی سرمایه در مقابل توده های کارگر قرار دارند.

طنز ماجرا این است که اتحادیه سراسری کارگران سوئد در مورد حوزه های وسیعی از همان بخش های موسوم به «خدمات عمومی» نقش اتحادیه کارگران این حوزه ها را نیز به عهده دارد! و به این ترتیب هم به عنوان جزء پیوسته و جدانشدنی حزب سوسیال

اعتصاب پرستاران سوئد امروز سومین هفته خود را آغاز کرد. مطالبات کارگران پرستار در شروع اعتصاب به شرح زیر بوده است:

۱. افزایش حقوق برای همه افراد به میزان ۵۰۰۰ کرون در ماه
۲. افزایش مجدد دستمزدها به میزان ۵٪ از اول ژانویه سال آینده
۳. حداقل دستمزد باید از ۱۸۰۰۰ کرون به ۲۲۰۰۰ کرون در ماه افزایش یابد.

اعتصاب در ساعت ۱۲ روز دوشنبه ۲۱ آوریل آغاز شد و بر اساس برنامه ریزی های قبلی هر هفته جمعیت تازه ای از پرستاران و کارگران دیگر بیمارستان ها و بخش های درمان به آن ملحق شدند. شمار کارگران ملحق به اعتصاب در لحظه حاضر به ۷۰۰۰ نفر رسیده است و پرستاران بارها اعلام کرده اند که تا حصول نتیجه کامل به مبارزات خود ادامه خواهند داد. اعتصاب حاضر سیستم درمان سوئد را در سطحی بسیار وسیع دچار اختلال ساخته است اما کارفرمایان با لجاجت و سرسختی تمام از قبول خواسته های کارگران خودداری می کنند.

از ویژگی های بارز این اعتصاب مثل همه اعتصابات دیگر کارگران بخش های موسوم به «خدمات عمومی»! در سوئد موضع گیری ها و سیاست های خاص حزب سوسیال دموکرات و

پارس خودرو در اول ماه مه

خنده کارگران. بخشی از کارگران شهرستانی با توجه به اعلام روز کارگر در چهارشنبه برنامه ریزی کرده بودند که به شهرستان بروند. به هر حال تشنت و بی برنامه گی مدیران باعث انزجار و تنفر کارگران شده بود. طی هفته گذشته اکثر کارگران بر تعطیلی اول ماه مه تاکید داشتند و اعلام پنجشنبه به عنوان اضافه کاری برای ایشان تعجب آور

است با صدور بخش نامه ای روز پنج شنبه را تعطیل اعلام کردند. از آنجا که خودرو سازی در حال حاضر یکی از مهم ترین بخش های تولیدی بسیار سود آور است به فاصله چند ساعت بخشنامه سوم صادر گردید مبنی بر این که روز کارگر پنج شنبه ۱۲ اردیبهشت اضافه کاری اجباری است. این امر طی هفته گذشته عاملی شده بود برای جوک و

طبق جدول کاری سالیانه در مجموعه خودرو سازی سایپا شامل سایپا و پارس خودرو و ... روز چهارشنبه ۱۱ اردیبهشت سال ۱۳۸۷ به عنوان روز کارگر اعلام شده بود و روز پنج شنبه هم تعطیل کارگاهی. از اوایل اردیبهشت ماه که مدیران برنامه ریزی پارس خودرو متوجه شدند اول ماه مه امسال برابر با پنج شنبه ۱۲ اردیبهشت ماه

بود. اما از آنجا که سرمایه تنها و تنها به سود می‌اندیشد اضافه کاری اعلام شده بود. در پاسخ به این حرکت مدیریت، حداقل ۴۰٪ کارگران در شیفت‌های ۳ و ۲ در اول ماه مه در محل کار خود حاضر نشدند. این امر باعث گردید که برنامه ریزی معاونت تولید برای ۷۵۰ دستگاه پرآید به حدود ۳۶۰ دستگاه پرآید برسد. شیفت یک ۱۵۰ دستگاه،

شیفت دو با ۴ ساعت توقف تولید ۱۴۰ دستگاه، تولید شیفت ۳ با توجه به آن که اکثر کارگران در محل کار حاضر نشدند ۷۰ دستگاه غیر از سالن مونتاژ پرآید سالن بدنه نیز با حداقل تولید کار خود را ادامه داد. قسمت ساخت کفی اتاق پرآید در توقف کامل بود. حاضر نشدن کارگران در شرکت و به خصوص در خطوط تولید باعث

خوشحالی سایر کارگران شده بود که پس از مواجه شدن با غیبت همکاران خود پشیمان شده بودند و مطرح می‌کردند ای کاش ما هم در محل کار حاضر نمی‌شدیم.

جلال ناصری
۸۷/۲/۱۳

چند خبر کوتاه از بیمارستان میلاد تهران

- در بیمارستان میلاد، بزرگ‌ترین بیمارستان ایران، روابط کار حتی در سطح قانون کار جمهوری اسلامی هم نیست. روز اول ماه مه امسال برابر با ۱۲ اردیبهشت ۸۷ تعطیل کارگاهی بود، که طبق روال عادی اضافه کاری محسوب می‌شود. در این روز تمام پرسنل بیمارستان مانند روزهای دیگر کاری مشغول به کار بودند و هیچ خبری

هم از اضافه کاری و محاسبه تعطیلی رسمی اول ماه مه برای کارگران نبود. - بیش از ۷۰۰ نفر از کارگران خدماتی و بخشی مهم از سایر قسمت‌ها سرویس ایاب و ذهاب را ندارند و بابت سرویس حمل و نقل پرسنل یک ریال هم نمی‌گیرند.

- روز گذشته در بخش NICU-B (بخش نوزادان) نوزادی توسط خانم م - ن جا گذاشته شده بود. این نوزاد با

روش رحم اجاره ای به دنیا آمده است که در آن زنان بی سرپرست و فاقد درآمد رحم خود را به زوج‌هایی اجاره می‌دهند که صاحب فرزند نمی‌شوند. این نوزاد هم اکنون در بخش نوزادان بیمارستان میلاد نگه‌داری می‌شود.

منیرالسادات موسوی
۸۷/۲/۱۳

ادامه مبارزات کارگران لاستیک البرز

صاحبان کارخانه لاستیک البرز به دنبال ماه‌ها اعتراض، تحصن، راه‌بندان و مبارزه کارگران و عقیم ماندن تمام برنامه‌های سرکوب و اعمال قهر دولت سرانجام مجبور شدند که از تعطیل کارخانه و اخراج وسیع کارگران صرف نظر کنند. آنان عجلتاً دست به عقب‌نشینی زده و کارخانه را با نصف ظرفیت تولید راه‌انداخته‌اند. همزمان به کارگران وعده داده‌اند که راهی برای ادامه کار آنان پیدا خواهند کرد. لاستیک البرز می‌رفت تا به صورت یک کانون مشتعل اعتراض کارگری توجه کارگران را در همه مراکز دیگر کار و تولید به سوی خود جلب کند. سرمایه‌داران و دولت آن‌ها با هشجاری خاص طبقاتی خود مبارزات کارگران این کارخانه را درک کردند، چشم‌انداز شعله‌کشیدن آن به حوزه‌های دیگر کار و پیکار توده‌های کارگر ایران را دیدند

و از این چشم‌انداز سخت به هراس افتادند. دستور اخیر دولت احمدی‌نژاد درمورد تعیین یک هیئت چهارنفره از نمایندگان و کارشناسان وزارت خانه‌های صنایع و کار و معاونت برنامه ریزی برای جلوگیری از تعطیل کارخانه دقیقاً در این رابطه قابل توضیح است. کارگران لاستیک البرز اکنون گامی به جلو برداشته‌اند، اما توجه به مختصات شرایط جدید و اتخاذ شیوه‌های مناسب ادامه مبارزه برای آن‌ها از بیشترین اهمیت برخوردار است. صاحبان سرمایه و دولت آن‌ها عجلتاً عقب‌نشسته‌اند، اما موفقیت‌های حاصل از مبارزات کارگران به هیچ وجه تثبیت نشده است. برعکس، این موفقیت‌ها در معرض تهدید و خطر از دست رفتن است. سرمایه‌داران و دولت اگرچه فعلاً از تعطیل کارخانه منصرف شده‌اند اما مواد خام مورد نیاز کارخانه را چند

روز چند روز تهیه می‌کنند و زمان ادامه کار کارگران را عملاً و به طور واقعی چند روز چند روز تمدید می‌کنند. کارگران باید راهکار مناسب این دوره را اتخاذ کنند. آن‌ها باید ابتکار عمل را به دست بگیرند و دولت را - که خود مدعی شده که می‌خواهد از تعطیل کارخانه جلوگیری کند - موظف به تامین پایدار مواد اولیه کنند. این کار به اتحاد و تشکل کارگران نیاز دارد. تشکل یک شورای کارگری فعال و اعلام آمادگی این شورا برای برنامه ریزی کار و تولید و آغاز تلاش برای حل و فصل مشکلات سر راه تحقق این هدف، موضوعی است که می‌تواند محور واقعی تداوم مبارزات کارگران در حال حاضر باشد.

۱۵ اردیبهشت ۸۷

شکایت « سندیکای کارگران انقلابی » ترکیه

گشوده میان آن‌ها و دولت ترکیه در پیش پای آقای « اردوغان » باز کنند. کاری که دولت ترکیه انجام خواهد داد آن قدر بدیهی است که هر کارگری می‌تواند آن را بفهمد: کل آن شرط و شروطها را به صورت بدتر شدن اوضاع زندگی بر توده‌های وسیع کارگر ترکیه نازل خواهد کرد. آقای چلبی رئیس یک سندیکا است که در طول سالیان دراز تمامی قدرت ضد سرمایه‌داری کارگران را در باتلاق سازش با نظام سرمایه‌داری به فرسایش برده است. مرجع شکایت طبقه کارگر ترکیه همسان تمامی بخش‌های دیگر طبقه کارگر جهانی صرفاً قدرت عظیم طبقاتی اوست، که اگر از فشار بختک جنبش اتحادیه‌ای و رفرمیسم راست و چپ آزاد شود نه فقط نیازی به دادرسی « دادگاه حقوق بشر اروپا » ندارد بلکه کل نظام بردگی مزدی و نهادهای حقوقی و همه چیز آن را برای همیشه در گورستان تاریخ دفن خواهد کرد.

مه ۲۰۰۸

سرمایه‌داری ترکیه یکی از فجیع‌ترین صحنه‌های تهاجم بربرمنشانه علیه جنبش کارگری این کشور را به نمایش می‌گذارد. قوای سرکوب در تمامی شهرها با حداکثر توحش به راه پیمایی‌ها، میتینگ‌ها و تظاهرات توده‌های کارگر حمله می‌کند. جمعیت زیادی را مجروح می‌کند و بیش از ۵۰۰ کارگر را دستگیر و روانه زندان می‌سازد. گاز اشک‌آور از همه سو بر سر و روی تظاهرکنندگان فرو می‌بارد و سلاخی مراسم اول ماه مه توسط پلیس و قوای نظامی حتی در قیاس با برخی سال‌های دیگر به رکورد تازه‌ای دست می‌یابد. آقای سلیمان چلبی اکنون از دولت ترکیه به « دادگاه حقوق بشر اروپا » شکایت برده است. این دادگاه اما دادگاه سرمایه‌داران و دولت‌های مقتدر و ذینفوذ سرمایه‌داری اروپا است. حداکثر برد این شکایت نامه آن خواهد بود که قضات سرمایه در اجرای وظایف خطیر دفاع از منافع بخش‌های نیرومندتر بورژوازی اروپا برخی شرط و شروطهای سودجویی انبوه‌تر سرمایه‌های این بخش را در دفتر محاسبات همیشه

آقای « سلیمان چلبی » رئیس « سندیکای کارگران انقلابی ترکیه » موسوم به « دیسک » شکایت نامه‌ای را علیه دولت این کشور به « دادگاه حقوق بشر اروپا » تسلیم کرده است. او در شکوائیه خود حمله پلیس و نیروهای نظامی ترکیه به صفوف کارگران در مراسم روز اول ماه مه را مورد انتقاد قرار داده و به طور مشخص بر هجوم « نیروی‌های امنیتی » به مقر سندیکا انگشت نهاده است. سلیمان چلبی گفته است که بی‌پروایی پلیس ترکیه در ابراز خشونت در سیر حوادث این روز بیش از حد بوده است. او به عنوان نمونه تصریح می‌کند که مقر اتحادیه وی در روز اول ماه مه محل تجمع شمار زیادی از وکلای مجلس ترکیه، نمایندگان پارلمان اروپا و جمعیت قابل توجهی از متفکران و روشنفکران سرشناس ترک بوده، اما با همه این‌ها باز هم مورد هجوم دستگاه‌های امنیتی قرار گرفته است. چلبی به حضور کارگران در دفتر سندیکا هیچ اشاره‌ای نکرده است. شرح مختصر حادثه از این قرار است که در روز اول ماه دولت هار

وضعیت کارگران در « نساجی درخشان یزد »

این منطق را به صورت نامحسوس و شاید محسوس دستکاری می‌کنند که رعد و برق قدرت پیکار کارگران مجال حراست آن را از آنان سلب کند. در حال حاضر کارگران کارخانه نساجی درخشان یزد و توده‌های همزنجیر آن‌ها در سایر جاها متأسفانه این قدرت سرنوشت‌ساز پیکار را وارد میدان نکرده‌اند و تا زمانی که چنین است سرمایه‌داران نیز آنچه را که می‌خواهند بر سر کارگران می‌آورند. ۱۵ اردیبهشت ۸۷

کارفرمایان علت عدم پرداخت دستمزدهای کارگران را نقشه انتقال کارخانه، نوسازی و بازسازی کارخانه و بالاخره کمبود نقدینگی اعلام کرده‌اند. آن‌ها راست می‌گویند. وقتی که ضرورت انتقال، نوسازی، بازسازی، سرمایه‌گذاری غول‌آساز و کسب سودهای بسیار سرسام‌آور در پیش پای سرمایه‌دار قرار دارد پرداخت دستمزد به کارگران چه معنی دارد؟! آنچه صاحبان کارخانه نساجی درخشان یزد می‌گویند و انجام می‌دهند عین منطق سرمایه‌داران فقط زمانی

در این کارخانه حدود ۱۱۵ کارگر استنثار می‌شوند. در طول ۲ سال گذشته هیچگاه دستمزد ماهانه آنان به صورت عادی و به طور کامل پرداخت نشده است. در بسیاری از ماه‌ها صاحبان کارخانه فقط ۲۰۰۰ تومان به هر کارگر پرداخت کرده‌اند! حداکثر دستمزدی که در این مدت کارگران دریافت داشته‌اند از ۵۰۰۰۰ تومان در ماه تجاوز نکرده و ۱۰۰۰۰۰ تومان « عیدی » تنها رقم بالا در طول این ۲ سال بوده است.

در شرکت ریسندگی خاور با کارگران چه می‌کنند؟

این ادغام و تمرکز و نقل و انتقالات و در یک کلام سودجویی‌های انبوه‌تر را با اجتناب از پرداخت دستمزد کارگران، آن هم نه یک ماه و دو ماه بلکه یازده ماه، تکمیل‌کنند. این کاری است که تمامی سرمایه‌داران ایران در پرتو حمایت دولت طبقه خود با فراغ بال علیه کارگران انجام می‌دهند.
۱۵ اردیبهشت ۸۷

دلیل کارفرمایان برای تحمیل این ستم‌ها بر کارگران این است که کارخانه در یک مؤسسه بزرگ‌تر سرمایه‌داری به نام «برق لامع» ادغام شده است. هدف از ادغام، سودجویی کلان‌تر و استثمار هولناک‌تر نیروی کار است. درجه‌بندی کنونی سرمایه‌ها که کارگران فاقد تشکلی نیرومند ضد سرمایه‌داری و ناتوان از اعمال قدرت متحد سراسری هستند، بسیار طبیعی است که صاحبان سرمایه

در اینجا ۲۰۰ کارگر مثل همه کارگران دنیا استثمار می‌شوند اما چگونگی استثمار آنان با مشخصات زیر نیز همراه است:

۱. بیش از ۱۱ ماه است که ریالی دستمزد دریافت نکرده‌اند.
۲. روزی ۱۶ ساعت کار می‌کنند.
۳. در این ۱۱ ماه غذای کارگران و حق ایاب و ذهاب آنان به طور کامل قطع شده است.

تعویق ده ماهه دستمزدها در « فولاد گزین» یزد

و نیز با تشخیص این مهم که افزودن دستمزدهای ماهانه کارگران به سرمایه‌های خویش کار سرمایه‌گذاری‌های را بسیار آسان‌تر می‌سازد، در طول این ۱۰ ماه دستمزد کارگران را پرداخت نکرده‌اند!!
۱۵ اردیبهشت ۸۷

کانال‌ها و تأسیس کارگاه‌های جدید هستند. سرمایه‌داران می‌گویند که در اجرای چگونگی توسعه و بازسازی با هم بگو و مگو دارند!! البته بگو مگوهای آن‌ها هیچ‌کجا هیچ اثری روی سرمایه‌گذاری‌ها و پیشبرد پروژه‌های تازه انباشت سرمایه آنان بر جای نگذاشته است. اما آنان با ذکر همین دلیل

کارگران فولاد گزین یزد ۱۰ ماه است کار می‌کنند اما تا کنون ریالی دستمزد دریافت نکرده‌اند. این کارخانه یکی از مراکز تولید قطعات خودرو است. کارخانه در حال توسعه و بازسازی و سرمایه‌گذاری‌های انبوه‌تر است و کارگران در حال حاضر به جای تولید قطعات مشغول نصب کوره‌ها، حفاری

کارخانه کرومیکال و تعویق ۴ ماهه دستمزدها

جریان دارد سندی است پیش روی کسانی که می‌کوشند با عوام فریبی و دروغ‌پردازی کارگران را متقاعد کنند که گویا علت امتناع کارفرمایان از پرداخت دستمزدها وضعیت بد مالی کارخانه است.
۱۵ اردیبهشت ۸۷

دولت سرمایه‌داری ایران به طور معمول عبارات تأخیر در پرداخت دستمزدهای کارگران با اصطلاحاتی مانند «وضع بد مالی کارخانه» تکمیل می‌گردد. در کارخانه کرومیکال، سرمایه‌داران خود را از به کار بردن این قافیه بافی‌ها بی‌نیاز می‌دانند. وقتی که زور به اندازه کافی موجود است چه حاجت به استدلال است؟! آنچه در اینجا

در کارخانه کرومیکال، تولیدکننده مواد شیمیایی در استان مازندران، ۱۰۷ کارگر استثمار می‌شوند. کارخانه از بازار فروش بسیار وسیع و پررونقی برخوردار است. با همه این‌ها کارگران ۴ ماه تمام است که ریالی دستمزد دریافت نکرده‌اند. آنان بابت عیدی و پاداش و نوع این مطالبات هم هیچ چیز نگرفته‌اند. در ادبیات سرمایه‌داران و

۱۹۰ کارگر « صنایع اراک» در خطر اخراج

همراه است و گاه آرام و بی‌سر و صد انجام می‌شود. بازسازی در سرمایه‌داری ایران در هر کدام از این دو حالت دو شاخص اساسی دیگر را نیز حتماً همراه دارد. اول این که صاحبان سرمایه به این دلیل که می‌خواهند دست به انباشت عظیم‌تر سرمایه بزنند و به سودهای طلایی‌تر دست یابند از پرداخت دستمزد ناچیز کارگران هم

پیچیده‌تر، یعنی تلاش بسیار جدی برای کاهش نیاز به نیروی کار از طریق توسل به تکنولوژی مدرن‌تر و بالاخره یعنی سرمایه‌گذاری انبوه‌تر برای به دست آوردن سودهای کلان‌تر. این کاری است که مشغله لحظه به لحظه سرمایه و سرمایه‌داران است. این روند گاه ابعاد بسیار وسیع به خود می‌گیرد و با نصب تأسیسات جدید و تحولات وسیع

کارخانه صنایع اراک نیز در حال بازسازی است. معنای بازسازی کارخانه بسیار صریح و شفاف است. بازسازی یعنی انباشت بیشتر سرمایه، یعنی گسترش تولید، یعنی خرید ماشین‌آلات بیشتر و مدرن‌تر، یعنی بالا بردن ظرفیت تولیدی کارخانه از طریق افزایش حجم سرمایه و به کارگیری ماشین‌آلات و تکنولوژی‌های بسیار

که بیکار خواهند شد و همزمان حق شایسته همه کارگران را نیز به طور کامل قطع کرده است.
۱۵ اردیبهشت ۸۷

دولتی خریداری شده است و اینک با دورنمای کسب سودهای نجومی در کار توسعه و بازسازی کارگاه خویش است به همین کارهای بسیار معمول دست زده است. او به ۱۹۰ تن از کارگران اخطار کرده

خودداری می‌کنند و دوم آن که آنان شمار زیادی از کارگران را هم از کار بیکار می‌سازند. سرمایه‌دار صاحب جدید «صنایع اراک» نیز که تازگی‌ها این کارخانه بزرگ را از بخش‌های

اخراج و عدم پرداخت مطالبات کارگران در گروه صنعتی ملی

به سرعت تمام توجه همه سرمایه‌داران دیگر را به خود جلب خواهد کرد. مسئولان گروه صنعتی ملی در شرایطی دست به اخراج کارگران می‌زنند که هنوز چیزی به نام «عیدی»، «حق سنوات» و «پاداش بهره‌وری» سال گذشته کارگران را پرداخت نکرده‌اند.
۱۳ اردیبهشت ۸۷

استعفا مجبور به ترک کار شود سرمایه‌دار صاحب کارخانه دیگر نه فقط متهم به بیکارسازی کارگران نمی‌شود بلکه چه بسا ادعای طلبکاری هم از کارگران اخراجی بکند. رابطه تولید ارزش اضافی رابطه کشف و اختراع و اعمال تمامی اشکال جنایت علیه بشریت نیز هست. اختراع صاحبان گروه صنعتی ملی هم در محدوده ملزومات ادامه حیات نظام سرمایه‌داری در ایران به هر حال نوعی کشف است و طبیعتاً

«خودتان بروید یا این که شما را اخراج می‌کنیم» عبارتی است که این روزها مثل نقل و نبات از زبان کارفرمایان و عوامل سرمایه در گروه صنعتی ملی به کارگران تحویل داده می‌شود. به نظر می‌رسد که رؤسای این گروه صنعتی در زمینه بیکارسازی توده‌های کارگر روش جدیدی را برای صاحبان سرمایه و دولت سرمایه‌داران کشف کرده‌اند. اگر کارگر خودش زیر فشار شدت یأس از ادامه کار و هراس از عواقب عدم

روز اول ماه مه در مسکو

گردد) به راه انداختن دولت بورژوازی را آماج شعارهای اعتراضی خود قرار دادند. سرمایه‌داری روسیه در چند سال اخیر یکی از بالاترین نرخ رشدهای اقتصادی را در سطح بین‌المللی داشته، نرخ رشد اقتصادی بسیار چشمگیری که بنا به سرشت سرمایه از محل فشار هر چه سهمگین‌تر بر سطح زندگی و دار و ندار توده‌های کارگر روسیه و توده‌های کارگر کل جهان نصیب سرمایه‌داران روس شده است. حاصل این رشد برای طبقه کارگر روسیه سقوط هر چه هولناک‌تر در ورطه گرسنگی و فقر و تن‌فروشی زنان و اجبار کودکان به کار بوده است. مه ۲۰۰۸

سطح نازل دستمزدها و فشار گرانی‌های سرسام‌آور ناشی از تعرض سرمایه به نان بخورونمیر طبقه کارگر موج اعتصابات و اعتراضات کارگری را به ویژه در طول سال اخیر در نواحی مختلف روسیه دامن زده است. در روز اول ماه مه بیش از چند هزار کارگر در یک راه پیمایی بزرگ که از مقابل مجسمه «لنین» در میدان «کالوگا» ی شهر مسکو شروع و به میدان مجسمه کارل مارکس ختم گردید ضمن حمل پرچم سرخ انترناسیونال این شعار را فریاد می‌زدند: «به گرسنگان نان بدهید و گر نه قدرت را به کارگران بسپارید». کارگران در تظاهرات دیگری که در «سن پترزبورگ» (لنین

تظاهرات اول ماه مه با حضور چشمگیر کارگران در شهرها و مناطق مختلف روسیه برگزار گردید. فقط در شهر مسکو بیش از ۳۰۰۰۰ کارگر در میتینگ‌های مختلف شرکت کردند. در این روز حدود ۵۰۰۰ کارگر در کنار مجسمه کارل مارکس در مسکو اجتماع کردند. «گنادی زیوگائف» رهبر «حزب کمونیست» روسیه یکی از سخنرانان این اجتماع بود. او گفت که بیش از یک سوم توده‌های کارگر روسیه به طور واقعی در گرسنگی محض به سر می‌برند. دستمزد سالانه این بخش از کارگران چیزی معادل ۱۳۵ یورو یا حتی کمتر است.

اول ماه مه در فیلیپین

رئیس جمهوری اجتماع کردند. اعتراض علیه تشدید وخامت وضعیت معیشتی و خواست افزایش دستمزد محتوای اصلی و غالب شعارهای کارگران بود. مه ۲۰۰۸

ریزند. دولت سرمایه‌داری فیلیپین برای کنترل و سرکوب این تظاهرات حدود ۱۲۰۰ پلیس ضد شورش و ۴۰۰ نفر از نیروی ارتش کشور را بسیج کرده بود. کارگران از سه نقطه مختلف شهر «مانیل» آغاز به راه پیمایی کردند و سپس همه آن‌ها در نقطه ای مجاور کاخ

چندین هزار کارگر فیلیپینی در روز اول ماه مه به خیابان‌ها آمدند تا خشم و اعتراض خویش علیه شدت استثمار، گرسنگی، فقر و سیه‌روزی‌های فزاینده ناشی از موجودیت و استیلای نظام سرمایه‌داری را بر سر و روی زمامداران و حاکمان سرمایه‌داری فرو

نمایش اعتراضی بزرگ کارگران در لبنان در روز اول ماه مه

کارگران لبنانی این بود: « آنچه اکنون مردم را می‌کشد خلاء قدرت نیست بلکه فقدان مواد غذایی است. » مه ۲۰۰۸

می‌دادند و خواستار افزایش فوری دستمزدها برای همه کارگران بودند. حداقل دستمزد ماهانه در لبنان چیزی معادل ۲۰۰ دلار آمریکا است که در شرایط استیلای هولناک گرانی‌ها برای نان روزانه خانواده‌های کارگری هم کفاف نمی‌دهد. یکی از شعارهای محوری تظاهرات روز اول ماه مه

بیش از ۲۰۰۰ کارگر لبنانی صبح روز اول ماه مه در شهر بیروت دست به تظاهرات و راه پیمایی زدند. زنان و دختران در این راه پیمایی حضوری فعال و بسیار چشمگیر داشتند. راه پیمایان پرچم سرخ انترناسیونال با خود حمل می‌کردند. آنان با خشم و نفرت زیاد علیه دولت « فواد سینیوره » شعار

کارگران صربستان و تظاهرات اول ماه مه

دشوار معیشتی توده‌های طبقه خویش اعتراض کردند و دولت را به دلیل تحمیل این وضعیت بر کارگران سخت به باد حمله گرفتند. مه ۲۰۰۸

چند هزار کارگر در جریان تظاهرات خویش علیه دولت صرب شعار دادند. آنان به سطح نازل دستمزدها، فشار سرسام‌آور گرانی‌ها و شرایط بسیار

کارگران شهرهای مختلف صربستان (یوگسلاوی سابق) در روز اول ماه مه با تشکیل صفوف طولانی مراسم این روز را برگزار کردند. در شهر بلگراد

تعویق مطالبات کارگران « پرریس »

کرده اند تا به دفتر مرکزی شرکت در تهران ارسال کنند. ۱۳ اردیبهشت ۸۷

صاحب کارخانه « عیدی » و « پاداش » سال گذشته شان را هنوز پرداخت نکرده است. کارگران این طومار را تنظیم

کارگران « پرریس » در سندانج هنوز مطالبات سال پیش خود را دریافت نکرده اند. آنان در طومار اعتراضی خود اعلام کرده اند که سرمایه‌دار

مدال افتخار جدید برای جنبش اتحادیه ای!!

۲. رشد تورم به هر میزان و با هر سرعت و هر درجه ای از سرسام آوری به هیچ وجه دلیلی برای مطالبه افزایش دستمزد از سوی کارگران نخواهد بود.

یک نکته بسیار مهم و شنیدنی دیگر این است که آقای Buzz Hargrove رهبر اتحادیه اتوموبیل سازی کانادا به دنبال انعقاد این قرارداد با مباحثات و غرور

داد. مطبوعات کانادا انعقاد این قرارداد را حادثه ای تاریخی در جنبش کارگری این کشور به شمار آوردند و پیرامون آن به تفصیل به گفتگو پرداختند. محتوای قرارداد از جمله شامل مواد زیر است:

۱. کارگران اتوموبیل سازی فورد تا سال ۲۰۱۱ حق مطالبه هیچ افزایش دستمزدی ندارند.

روز دوشنبه ۲۸ آوریل ۲۰۰۸ یک توافق نامه مهم تاریخی!! میان شرکت اتوموبیل سازی فورد «Ford» و اتحادیه کارگران اتوموبیل سازی کانادا « Canadian Auto Worker Union » به امضا رسید. این توافق نامه با سرعت تمام در تمامی روزنامه‌های رسمی کشور انعکاس یافت و عنوان مهم ترین خبر روز را به خود اختصاص

زایدالوصفی اعلام کرد که سخت در تلاش است تا عین همین قرارداد را در طول چند روز آینده با شرکت عظیم «جنرال موتورز» نیز امضا کند!!

آقای Buzz Hargrove در اکتبر سال گذشته هم مدال افتخار بزرگی از نوع مدال بالا برای اتحادیه کارگری تحت

ریاست خویش به دست آورد. ایشان قراردادی با تراست عظیم مگنا «Magna» منعقد کرد. طبق این قرارداد حدود ۱۰۰۰۰ کارگر Magna به عضویت اتحادیه اتوموبیل سازی کانادا در می آمدند و همراه با این عضویت حق هر نوع اعتصاب برای هر مطالبه روزمره خویش را به طور

کامل از دست می دادند. «Magna» یک تراست عظیم صنعتی است که بیش از ۸۲۰۰۰ کارگر را در سراسر جهان استثمار می کند و سود خالص آن در سال ۲۰۰۴ بیش از ۲۰ میلیارد دلار بوده است. مه ۲۰۰۸

گزارش مختصری از شرکت پارس خودرو

شرکت پارس خودرو واقع در کیلومتر ۹ جاده مخصوص تهران-کرج قدیمی ترین شرکت خودرو سازی ایران است. این شرکت خودرو سازی در سال ۱۳۳۵ توسط یکی از سرمایه داران آن زمان به نام جعفر اخوان تاسیس گردید و نام آن شرکت بازرگانی جیب بود. این شرکت انواع اتومبیل های آمریکایی را به خصوص تیپ جیب را وارد و به فروش می رساند. پس از آن از سال ۱۳۳۸ به ترتیب شروع به مونتاژ جیب شهباز، وانت سیمرغ، آریا و شاهین، جیب آهو، شورلت ایران، شورلت نوا، بیوک، شورلت وانت، جیب توسن، لندرور، نیسان پاترول، وانت نیسان، جیب صحرا، سپند جوانان، پیکاپ، پی کی، ماکسیم، رونیز، سرانزا، مگان، لوگان، پراید صبا و پراید ۱۴۱ کرده است. این شرکت از زمان شروع به مونتاژ به عنوان بخشی از شرکت جنرال موتورز آمریکا در ایران شروع به کار کرد و به آن GM گفته می شد.

از سال ۱۳۵۸ نامش به پارس خودرو تغییر یافت. طی چند سال اخیر این شرکت یکی از پررونق ترین محل های کسب سود برای آن بخش از سرمایه بوده که در صنایع خودرو سازی فعال هستند. بیش از ۹۰٪ کارگران آن جوان و قرار دادی هستند. هر روز بیشتر و بیشتر بر سرعت خطوط تولید افزوده می شود، به طوری که در بیشتر مواقع کارگران بخش مونتاژ فرصت کوچک ترین نفس کشیدنی را ندارند. تولید در سال ۱۳۶۶ معادل ۷۸۴۸ دستگاه اتومبیل در سال بوده است. در سال ۱۳۷۷ تولید ۱۰۰۱۱ دستگاه در سال بوده، در سال ۱۳۸۳ تعداد ۴۵۰۶۷ دستگاه و در سال های ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ بترتیب ۱۸۵۱۸۵ دستگاه و ۲۰۳۰۰۰ دستگاه اتومبیل بوده است. طرح مدیریت تولید برای سال

۱۳۸۷ بیش از ۲۵۰۰۰۰ دستگاه است. قراردادی بودن کارگران و وجود لشکر بیکاران عامل اصلی در تحمیل این میزان شدت استثمار به کارگران است. بیکاری پدید می کند، به طوری که در حال حاضر بیش از ۱۲۰۰۰ نفر بیکار جهت کار در شرکت پارس خودرو فرم درخواست کار را با نازلترین قیمت و با هرآنچه که توسط شرکت تحمیل می شود امضا نموده و ثبت نام کرده اند، با این امید که روزی روزگاری آن ها را خبر کنند، که این خود بستگی به آن دارد که بیکار ثبت نام کرده تا چه حد با یکی از مدیران رابطه داشته باشد که واسطه گری کند.

پارس خودرو در حال حاضر حدود ۷۰۰۰ نفر کارگر دارد. حدود ۴۰۰۰ نفر آنان ۲۰ تا ۲۹ سال سن دارند، حدود ۲۲۰۰ نفر ۳۰ تا ۳۹ ساله هستند و حدود ۶۰۰ نفر از کارگران ۴۰ تا ۴۹ سال سن دارند و حدود ۲۰۰ نفر هم ۵۰ تا ۵۹ ساله هستند. میانگین تجربه کاری این کارگران ۵ سال است. فشار بیش از حد گرانی، کرایه نشینی و حاشیه نشینی، وجود لشکر بیکاران آماده به کار برای فروش ارزان نیروی کار خود، قرار دادی و پیمانی بودن و نداشتن هرگونه تشکل کارگری باعث گردیده که کارگران هر روز در زیر فشار کار بیشتر و بیشتر خرد و خمیر و لهیده شوند.

در نتیجه سرعت روز افزون خط تولید هر روز شاهد تعداد بیشتری حادثه کاری هستیم که به مهمترین و آخرین آن ها اشاره می کنم. در سال ۱۳۸۴ در جریان ساخت سالن لوگان و مگان (L90) در تیر ماه آن سال ابولقاسم احمدی و در دوم مرداد ماه علی آدینه از ارتفاع سقوط کردند و دردم کشته شدند. در سوم و دهم مهر ماه سال ۱۳۸۴ باز هم ۲ نفر دیگر سقوط کردند که برای

همیشه خانه نشین شدند. شکستن دست و پا و دنده هر روز ادامه دارد به خصوص در شیفت شبکاری و در برخورد با لیفتراک. آخرین حادثه در روز ۱۱ اردیبهشت ماه سال جاری ساعت ۱۱ صبح اتفاق افتاد. نگهدارنده اتاق در خط تولید مونتاژ پراید در ایستگاه نصب موتور و گیربکس خراب بود و این خرابی بارها توسط کارگران آن قسمت گزارش داده شده بود. اما مدیران حافظ سرمایه حتی حاضر به توقف ۱ ساعت خط مونتاژ برای تعمیر این خرابی نبودند، زیرا آن ها سرعت خط تولید را از ۲۵ دستگاه پراید به ۴۰ الی ۴۲ دستگاه رسانده اند و تحت هیچ شرایطی حاضر به توقف خط حتی برای تعمیر هم نیستند، چون که قسم خورده اند برای بیرون کشیدن سود هر چه بیشتر برای صاحبان سرمایه تسمه از گرده کارگران بکشند. چنین بود که به علت نقص فنی فوق، اتاق پراید از محل خود خارج شد و بر روی ۴ نفر از کارگران مونتاژکار سقوط کرد که در نتیجه آن مصطفی مهدوی از ناحیه ستون فقرات، فرهاد محمدی از ناحیه ساعد دست راست، یکی دیگر از کارگران از ناحیه مچ پای راست و نفر چهارم هم از ناحیه دنده چپ دچار شکستگی گردیدند و همه به بیمارستان پیامبران برده شدند. مدیر تولید مهندس حیدری و مدیر سالن مهندس خوش صدا در محل حاضر شدند. آن ها بیشتر به فکر راه اندازی مجدد خط تولید بودند تا جان کارگران. مهندس حیدری گفت که چرا قبل از حادثه خطر را خاموش نکردید؟ در جواب او مصطفی مهدوی کارگر حادثه دیده گفت که هفته پیش برای ۱ دقیقه این کار را کردیم که هر ۴ نفر تا مرز اخراج شدن پیش رفتیم. خود که می دانید. به هرصورت، با افزایش سرعت خط تولید، در نظر نگرفتن ایمنی، تعمیر و

خبرنامه کمیته هماهنگی را به دست کارگران هر

چه بیشتری برسانید.

سایت کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری
(منطقه تهران) به طور روزمره به روز شده و
اخبار جدید کارگری در آن منتشر می‌گردد.

آدرس سایت را به اطلاع همه برسانید:

WWW.HAMAAHANGI.COM

برای تماس با ما نامه الکترونیکی خود را به
آدرس زیر بفرستید:

hamaahangi@gmail.com

برای اشتراک این خبرنامه به سایت کمیته مراجعه کرده و آدرس
الکترونیکی خود را در قسمت "خبرنامه سایت" وارد کنید. در صورتی
که مایل به ادامه اشتراک نیستید، می‌توانید در همین قسمت خواهان حذف
نام خود از فهرست مشترکین شوید.